



محل اداره

مجلس شورای ملی

شماره تلفن ۳۸۸۹۶ و ۳۸۸۹۰ و ۳۸۸۹۴ و ۳۰۴۴۸

روزنامه یومیه

بهای اشتراك

نست اول (مذاكرات مجلسین) سالانه ۳۰۰ ریال

نست دوم (آگهی ها) ۶۰۰

شماره كامل ۸۰۰

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: هیایه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - سورت مشروح مذاكرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

سال هفتم

شنبه ۲۵ فروردین ماه ۱۳۳۰

شماره ۱۷۹۱

شماره مسلسل ۱۳۱

دوره شانزدهم مجلس شورای ملی

مذاكرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۳۱

صورت مشروح مذاكرات مجلس روز ۳ شنبه بیستم فروردین ماه ۱۳۳۰
فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - بیانات قبل از دستور - آقایان: کههد - فرامرزی - حائریزاده - اردلان - شوشتري
- ۳ - قرائت نامه بانك ملی راجع بتاریخ اجرای قانون تعویض اسکناس
- ۴ - طرح برنامه دولت آقای علاء نغست وزیر
- ۷ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

* *

مجلس ساعت ده و پنج دقیقه صبح بریاست آقای رضاحکمت تشکیل گردید

(۱ - تصویب صورت مجلس)

رئیس - صورت قارئین جلسه قبل قرائت می شود.

(شرح ذیل قرائت شد)

صورت غیبت و دیرآمدگی آقایان نمایندگان در جلسه صبح ۱۸ فروردین ماه ۱۳۳۰
غائبین با اجازه: آقایان: اورنگ - پالیزی - ظفری - دکتر علوی - امیر نصرت اسکندری - حاذقی.

غائبین بر اجازه آقایان: خاکباز - محمودی - دکتر مصباح زاده - قبادیان - موسوی - مرضی حکمت منصف - موقر - قهرمان - خسرو قشقائی - ابریشم کار کتیبه - ملک مدنی - دکتر معظی - گریگانی - ناظرزاده نوبت - صفائی - شهاب خسروانی - اسلامی - دکتر

سید امامی - حمیدیه - قرشی - عماد تربتی - صدرزاده - محسن طاهری - سالار بهزادی - رضوی - دکتر طاهری - هرانی - پیراسته - امیر افشاری - رستم کیو - مکی - جمال امامی - طباطبائی - خزیمه علم - معین زاده - دیرآمدگان بی اجازه: آقایان: حسن اکبر - سلطانی.

رئیس - آقای اسلامی.

اسلامی - بنده روزجلسه گذشته غیبت داشتم چون دیشب از هتایت عالیات مراجعت میکردم (یکی از نمایندگان - زیارت قبول) ولی از آقایان اجازه میخواهم باندازه يك تا نیمه بنده اجازه بدهند که يك نکته ایرا تذکر بدهم (چند نفر از نمایندگان - بفرمائید) بنده از چهار کشور عربی دین کردم مسائلی بود که دیشب همانطور پس از مراجعت يك سرآمدم مجلس

چون برنامه در مجلس مطرح بود آدمم اسم نویسی کنم مطالبی را صحبت کنم متأسفانه آقایان زودتر از بنده آمده بودند موفق نشدم ولی يك نکته را میگویم عرض کنم که دولت باید توجه کند در خارج از ایران بقدری راجع بایران مسائل و صعیبتهای عجیب و غریب هست که اصلاً ایرانیها که هیچ مردم آنجا هم نگرانند و مأمورین وزارت خارجه هم اطلاع ندارند چند نفرشان تلگراف کردند بتهران که آیا این موضوع صحت دارد کسی جواب نداد و بنده و آقای مکی در آنجا وقتی روزنامهها با ما صاحبه کردند و به مجالس لبنان و آنجاها رفتیم خودمان تکذیب کردیم در مجالس شخصی و خصوصی هم که صحبت میشد خودمان تکذیب میکردیم بنده استدعا میکنم از دولت که فوراً دستور بدهند که این را دوی خراب شده يك سلسله تکذیب درباره این مسائل که در خارج منتشر شده منتشر بکنند که عموم مردم بخصوص ایرانیهای بیچاره که در خارج هستند از این موضوعات مستحضر بشوند با اینکه در خارج نمیشود نه روز و نه شب از رادیو تهران استفاده کرد ما که نتوانستیم استفاده کنیم البته بنده صحبتهايم را در موقتش عرض میکنم چون این موضوع خیلی مهم بود در اینجا جارتاً عرض کردم: بعداً هم عرض میکنم

فرامرزی - کاه صبح است

رئیس - دیگر نظری نسبت بصورت مجلس نیست (گفته شد خیر) صورت مجلس تصویب شد

۴ - بیانات قبل از دستور آقایان

کههد - حائری زاده - اردلان

و شوشتري

رئیس - چند نفر از آقایان تقاضای نطق قبل

از دستور کرده اند آقای کههد بفرمائید

کههد - بطوریکه نمایندگان محترم استحضار

دارند دولت جناب آقای علاء در جلسه قبل بمجلس شورای ملی معرفی و یکی از مواد برنامه ایشان توجه و اصلاح امور اقتصادی و کشاورزی کشور است بنده در این مورد لازم دانستم تذکراتی بدهم مخصوصاً در مورد تصویب نامه ای که اخیراً راجع به منع صدور

من منتقم گامی صد معرک و مسیخ خود کیانی
فلوتگر نقتاست شب عید نوروز میبندد صدی سی حقوق
کلونو کلر گر را حکم میکنند قهرآ کاراضی میشود
وسرو صلیشان بلند نمی شود و برای اینکه در خارج
تلیفات سونی علیه ایران بکنند برای آتربک زینیه ای
دوست بکنند کملا فلانکس زدن گوش حسنی جعفر
اینجا امنیت نیست اینجا چنین نیست و یک بدنامیهای
برای ما درست بکنند مقدمه اش تهیه همین زمینه های
اصحاب و درسهائی است که ایجادمی نمودن اگر
مطمنش بودم کمأمورین مامورند آنها مدافع حقوق
ایران و کلر گر هستند و جلو آتربک و تقلب مأمورین
کیانی را می گیرند تقاضا می کردم که یکی دولشکر
دیگر هم برونه بخوزستان برای اینکه مراجع به
نفت خیلی کار داریم و غارتها می که کیانی نفت از
ایران می کشد باید دستش را کوتاه بکنیم باید همیای
خیلی مبارزه باشیم باید قوای دولتی در آنجا برونه
جلو گیری بکنند هر فرد انگلیسی را در آنجا باید
مواظبش باشند که یک کارهایی برای تخریب نکنند باید
اینها را دولت خیلی مواظبت بکند تا در کسب و
نفت تعیین تکلیف نفت بشود این یکی دوامی که تعیین
تکلیف نفت در کسب و نه و دنیا هم با ایران مساعد
است که ملی شدنش را در دستر علی بکنند دست تخریب
در کار است این اصحاب و این بازها و میاهوی که
کیانی دوست کرده برای تخریب این دستگا و بدنام
کردن ملت ایران است در صورتیکه ملت ایران یک
ملتی است که روزگار متدای فشارهای زیادی دیده
تجارب زیادی آموخته و حسن مقاومتش شده است در
مقابل شداید باسبر و حوصله مقاومت می کند بلکنتی
نیست که یک کارهای بی ربط و وحشیگری بکنند وقتی
که آنها وحشی بودند و سیدماهی راه ماشان بوده
تند در این ملک بوده در همین خوزستان آتربک
تند قسیم هست و یک همچو ملت قدسی دولت در دنیا
و ادبها و روزنامه های که کیانی اوار می شوند
می حله می کنند تو می می کنند و زلفت خورج کرده
ما ساکت و صلوات نشسته و هیچ مقدمه نمی کنند که
حرف نزنند من این روز فووت کارا فکر می کنم که
منتش بکنم برای اینکه مدافع کیانی است صلوات
به تق کیانی است خوششان را برونه از کیانی
بگیرند و ما سر تعوی بیگم و در سلکت لژ شراین ما
راست باشیم بکسر و دیگری که میخوانم عرض
بکنم موضوع حکومت نظامی مرحومت مرحوم حکومت
نظامی موشیک روی کار آمد روزنامه های که قبل از
حکومت نظامی یک چیزهایی نوشته بودند که ممکن
بود موود تعقیب واقع شوند لو آمد برای عرض
گفته اشهر را گرفتند و صورتیکه خلع و صلاحیت
حکومت نظامی بوده حکومت نظامی برای این است
که اگر بلوای انقلابی جراتی پیش آمد جلو گیری
یکه نایبک استام بگیرد که تو پروروز بکلن کس
قتی دلی حلالی میخوانم پس کردند بزم حق
عاشه حکومت نظامی این صلواتا بکنه در همان روز
اول و دوم میبود کیوانی آمدن من گفتم من
و لواتی هستم روزنامه های مردم و نیگوم که روزنامه
من منسوب است کلوظ کرد پولی قبل از حکومت
نظامی صلواتا بکنه حکومت نظامی فرستاده بودم
در روزهای گذشته کسی که در روزهای گذشته
ممنوع است و کسی که در روزهای گذشته ممنوع است

این کارها بدون مطالعه دقیق از طرف اشخاصی که
اطلاعات ندارند بهیچوجه صلاح نیست من که اطلاعات
در این قسمت ندارم و میدانم آقایان وزرائی هم که در
اینجا تشریف دارند مثل من در امر پنهان و پشم بی اطلاع
هستند باید اشخاص عالم و مطمئنی باشند که بدانند که
چه بکنند نه صرف اینکه در نظر بیایند نفری که اینجا
منتقمند و برای صدورین به میبندد فلان آقای وزیر را
ببینند و روی خواهم و تمنی که وضعیت چنین و چنان
است یک تصویب نامه ای صادر شود و اینها استفاده
کنند یکی از رفقا میگفت که جمعی تمهید داشتند برای
فروش پنبه و نتوانستند تمهیدشان را انجام بدهند
نرخ پنبه بالا رفته بود قراردادشان ضرر میکرده در
که احوال برادر را بیستم با هر حکومت نظامی
فوق العاده ای پیش بیاید تمهیدشان را انجام ندهند
این تصویب نامه باین اشخاص منتقم میرساند چون
پنبه را روی تمهیدی که کرده اند باید بآن قیمت
سابق پنبه را تعویب بدهند این تصویب نامه منبری می
شود که آنها از زیر تمهید خودشان خالی کنند و یک
عده ای بزحمت میافتند و یک عده نفع میبرند اینها یک
چیزهایی است که باید درش مطالعه شود چون وقت من
تمام شده نمی خواهم زیاد وقت آقایان را بگیرم مطالب
دیگر را بکنم موضوع دیگر که برنامه دولت مطرح
میشود امیدوارم اگر نوبت بن رسید مطالبی که دارم عرض
آقایان برسانم

رقیبی - سؤالاتی که آقایان نمایندگان از
دولت پیش کرده اند اگر مایل باشند که دنبال بشود یک
یادداشتی اداره قوانین بمنده تا آقایان وزیران ابلاغ
شود که برای جواب هر یک از سؤالاتی که نمایندگان
پیش کرده اند آقای اردلان بفرمایند

اردلان - بنده از آقایان ابواب مهدی تشکر
می کنم که وقت خودشان را تصنیف فرمودند و بنده
شوشتی و بنده مرحمت فرمودند بنده چند کلمه
عرض داشتم که می خواهم عرض آقایان نمایندگان
معتبر و هیئت دولت برسانم البته مسائل گفتنی بسیار زیاد
است و ما در موقعی که برنامه مطرح باشد اگر بنده
نوبت رسید بنده عرض خود را عرض می کنم فلا
مطلبی که بنده می خواهم عرض کنم این بود که در این
ابامید چند نفر از محترمین کردستان که بنده افتخار
نمایندگی آنجا دارم به تهران تشریف آورده بودند
از جناب آقای آصف و جناب آقای عباسی و سایر آقایان
نمایندگان کردستان تقاضاهائی داشته که امروز بنده
مستعجابم آقایان از اینها بجز عرض میرسانم و هیئت محترم
دولت مخصوصاً مخاطب بنده جناب آقای سرتیپ لوقع
وزیر محترم را میخوانم که در این قسمت توجه بفرمایند
(عده از نمایندگان - آقای سر لشکر لوقع سرتیپ)
به بعضی آقای سر لشکر لوقع و انشاء الله سال دیگر
سپهبدشان را بنده خود تیریک عرض خواهم کرد
عرض کنم رئیس انجمن شهر کردستان و هم چنین
شهر دار آنجا اخیراً به تهران آمده بودند و راجع به
قانونیکه از مجلس شورای ملی گفته بودند در خدمت
کدولت در این خصوص توجهی بفرمایند آقایان نمایندگان
محترم مستحضرمستند که در چند سال قبل یک قانونی
لزمجلس گذشت که مالیات تقویرین بگیرند برای
اسفالت و این پول جمع شده در چند سال پیش در تصرف
ما مجلس پیشتر کرده بود و مجلس شورای ملی هم
تصویب فرمود که در صورتیکه شهرهای

وسط شهرها میور بکنند آن قسمتی که از شهر عبور می-
کند مشمول این قانون شود و آنجا را اسفالت بکنند
(صحیح است) یک شاهراه بزرگی هست که از کرمانشاه
شروع میشود و میرود به آذربایجان و از سنندج و سقز
همرد میشود این است که ما تقاضای اهالی کردستان
رادر این قسمت که یک تقاضای قانونی و مشروعی است
عرض میرسانم و بنده از جناب آقای وزیر راه تمنی می-
کنم که توجه بفرمایند که از اینها بیداد اسفالت قسمتی
از این شاهراه که از سنندج و سقز عبور میکند اسفالت
بشود ماسبقاً در این خصوص مکاتبه کردیم و در سال
گذشته وزارت راه بیوج نام رسمی که بخود بنده
نوشته تمهید کرده در سال ۱۳۲۰ این قسمت را عملی
بکنند این است که من از جناب تیسار سر لشکر ارفع
تقاضا میکنم که باین موضوع توجه بفرمایند و اما عرض
دوم بنده هم که آنرا هم مجوع اهالی کردستان و سقز
تقاضا کرده اند آنهم راجع یک شهرهای است که از
کرمانشاه شروع میشود و میرود با آذربایجان با سه راه
کرمانشاه بیاندو آب و چندین سال است که مراجع
باین موضوع صحبت میکنند هفت میلیون تومان بر آورد
این ده شده تقصیر برداریم هم شده در خود شهر سنندج
هم تقصیر ساختن یک بیل بزرگی تهیه شده که قرارداد
این راه از آنجا عبور کند و از داخل شهر عبور بکند
بنده از جناب آقای وزیر راه استدعا میکنم و خودشان
موقعیت کردستان را بسوق هستند که یک حوزه سرد
سیری میشود نورش گرد و قست همه راه سقز و بانه
و سنندج در زمستان مسدود میشود تنها از حالا به بعد
میشود در آنجا کار کرد اینست که بنده استدعا میکنم
توجهی بفرمایند که این قسمت شاهراه کرمانشاه به
میاندو آب که از سنندج رد میشود همانطوریکه تقصیر
هایش بر آورد شده و تنظیم گردیده شروع ساختمان
بشود که مادر مقابل مو کلین خودمان لا اقل سرافکنده
بنایم و ایام تعطیل عید که انشاء الله مجلس اجازه می
دهد برویم کردستان و جناب آقای عباسی تشریف
میرند بقرآنجا می توانیم بگوئیم که ما بیداد پیشهاد
کردیم و جناب آقای نخست وزیر هم جناب آقای وزیر
راه سفارش فرمودند که این کار انجام شود

رقیبی - آقای شوشتی

شوشتی - بسم الله الرحمن الرحیم من یک
شوخی می خواهم بکنم یک کسی نوشته بود که فلانی روضه
خوانی کرده است بلی بنده افتخار میکنم اگر روضه خوان
باشو افتخار میکنم همانطور که عکس بفلانی مرا توی
روزنامه چاپ کرده بودند بفلان باشم بلی بفلان بودم
ولی چاپ کرده و لوله افوردم نبود که برود با مصوب شوم
بفلان بوده ام و روضه خوانند ام عرضی که میخوانم
بکنم جناب آقای دکتر مصدق آقایان نمایندگان
محترم هیئت دولت توجه بفرمایند مایل برای با تعلق آرا
در مجلس شورای ملی و مجلس سنا برای استیفای حقوق
لژ دست رفته ملت ایران داد ما می و این رای قوی و
مستحکم و هیچ سفل و هیچ دولت و هیچکس در هیچ
جای دنیا غیر از خود ایرانی حق ندارد در برابر ما
نظر بکند برای گرفتن نتیجه مطلوبه و رسیدن بآن
غایت میل و منظوری که ملت ایران دلرد مسکن است
با نتیجه مصصومی توام بشود و نگذرد که ما در روز
استقامت بکنم و وقت مجلسی بریزد اینجهت ناچارم
از دست کشم و آقایان ارباب جرأتند که در بهم
رقیبی - مجلسی از بانک ملی رسیده گترات

**(۳) اقران نامه بانک ملی راجع
به تاریخ اجرای قانون
جمع آوری اسکناس**

رقیبی - مجلسی از بانک ملی رسیده گترات

بعد هذالوم یوم بین من و هر کس که بن افترا مزیند
در آن وادی مصاکمه میشود چه کبل بشوم چه نشوم
خلع لباس هم اگر بکنم باز سید معده علی شوشتی
هستم بشما میگویم آقایان ارباب جرأتند آقایان
نمایندگان محترم و هیئت محترم دولت دستهای مرموز
میخواهند نگذارند ملک ایران از حق مشروع خود
استفاده بکنند چه میکنند؟ بنحوه ای، بشکلی بطرزی
بروقی وارد میشوند که بمرک ولا وصف است آقا
باجبات ملکات دارد بازی میشود اینکه آقای اسلامی
میآیند میگویند که در بین انهرین باید فلان جا فلان
نسبت را بدست ایران بدولت ایران و ایرانیان میدهند
همین حرفها باید بایک بیانی فصیح بایک صدای قوی
بشت این تریبون گفته شود تشریح بشود موضوع
صعور پنبه و پشم بقیه من یکی از آن مرموزات است
اینها مکار روضه خوانی است چرا ما ارسال نه هزارو
کسری ن پشم داشتیم جناب آقای وزیر محترم
دارائی بشما ادرت دارم با شما رفیق امسال روی
حساب ۱۰ هزار تن پشم داریم کیلومی دو دلار در
خارج خریداری میشود تنش را حساب بفرمایند
چقدر میشود قیمتش را حساب بکنید برای مملکت ۱۰۰
میلیون تومان میشود یا نمی شود؟ پر پرور آقای اخوین
یکی از تجار محترم بنمگر آمده بود تهران بن اظهار
کرد فلان مقدار پشم ۴۸ تن پنبه در اسفندماه بخرم -
شهر بردم و آنجا خواستم بار بکنم روی این تصویب نامه
در صورتیکه ۱۰۰ هزار تومان تمهید بانک دارم
اینجا قیمتش با صد هزار تومان است من ورشکست
میشوم چرا اینکار را میکنند امروز تجار محترم و نمایندگان
کان اطلاق بازرگانی تهران تشریف آوردند مجلس
در هیئت رئیسه حضور جناب آقای رئیس مجلس این
شرح را نوشته امضاء کردند بنده معتقد نیستم کارخانه
خواهید شود بنده معتقد نیستم کارگر کارخانه از
کار بیفتد ولی این نکته را صریح میگویم که فلان
کارخانه ای که شمشیر خواهد چند هزار تومان پول قدر
بدهد پولش را ملت ایران نباید بدهد (صحیح است)
آقا توجه بکنید اگر آنها میخواهند بقیمت عادلانه بازار
بین المللی پنبه خریدند در هر جا بخرند نه زور دولت
کسی مانع نیست ولی باین ترتیب صورتی دره آید
که اسال سطح کشت گرگان را ببینید و آنگه بکنده
دارد را که میشود چرا؟ برای اینکه فلان کارخانه ای
میخواهد جنس را بهر قیمتی که میخواهد بخرد فلان
کارخانه ای چه میگوید اگر راست میگوید اگر با ملت
سرو کار دارد باید بیاید جنس مرد بیا ۲۰ درصد ۴۰
درصدش را بوزانک تمهید بسیار و روی قیمت عادلانه بخرد
مرد بیا بیچاره نکند و سطح کشت مملکت را باین
نیارید در این قسمت چون آقایان محترم مطالب را
فرمودند و من در اطراف فرمایشات آقایان نیلیرستی
توضیحی بدم فقط بعنوان رمز تشنج در مملکت این
مطلب را عرض کردم و چون جناب آقای علاه را شخصاً
سرفراً و احترام و پیشان ادرت دارم استدعا
میکم توجه مخصوصی بفرمایند علاوه از تو این
تصویب نامه طوری بشود که کارخانه ما هم اداره بشوند
که تسخیر بسوزد نه کلب این نامه را هم تقدیم مقام
ریاست میکنم (احسن)

**(۳) اقران نامه بانک ملی راجع
به تاریخ اجرای قانون
جمع آوری اسکناس**

رقیبی - مجلسی از بانک ملی رسیده گترات

**(۳) اقران نامه بانک ملی راجع
به تاریخ اجرای قانون
جمع آوری اسکناس**

رقیبی - مجلسی از بانک ملی رسیده گترات

بگوید اسکناس من دولتن بوده است با وقت نمیدهند چون خارج از کشور است و خارج کردن اسکناس از کشور ممنوع است

جناب آقای نمایندگان - آن اصلا قاچاق است. رئیس - اگر آقایان موافقت میکنند منظور جراب بانک را بدیم

کشاورز صدر - اخطار نظامنامه ای دارم رئیس - طبق چه ماده ای؟

کشاورز صدر - بر طبق ماده ای که راجع به طرحها و لواحق و تفسیر است و اخطار بنده اینست که رئیس بانک ملی در مجلس عنوان ندارد

رئیس - بر طبق ماده ۷۹ من خودم تشخص دادم که لازم است این نامه فرائت شود

کشاورز صدر - عرض بنده هم همین است که تفسیر هم در مجلس باین کیفیت نمیشود کرد و نباید معمول شود و باید تفسیر هم همانطوریکه آقایان نامہ فرورداشته مطرح بشود موافق و مخالف حرف بزنند و نامه بانک هم جز بعنوان اینکه بگوید هادی نامه ای فرستاده اتزی ندارد یا دولت چیزی بنویسد تا مطرح شود و اینها باید گان بنویسند والا این نامه مطلقا اثر ندارد

و جواب فرستادن هم مورد ندارد

رئیس - بنده بر طبق ماده ۷۹ چون موضوع مهمی بود با اطلاع مجلس رساندم و حالا هم بعرض میباید مجلس است که بخواهد مورد بحث قرار بدهد یا نه چون

بانک در یک وضعیتی قرار گرفته که نمیدانم چه روزی را مبادا سهام قرار بدهد اینرا باید مجلس تعیین بکند بهر حال باید این معین بشود اگر میل دارید امروز مطرح بشود یا بعد

کشاورز صدر - قانون مدنی تعیین کرده است اردلان - برای بدنیشود قانون تکلیفش را معلوم کرده است

رئیس - طرح میکنیم و نظر مجلس را به بانک ابلاغ میکنیم من مطابق ماده ۷۹ هر مطلب مهمی باشد با اطلاع مجلس میرسانم. آقای کشاورز صدر متوجه باشید که طبق ماده ۷۹ این عمل شد

کشاورز صدر - بنده نظرم این بود که باید مطرح شود والا بهر آن من مراد اعتراضی نداختم

(۴) طرح برنامه دولت آقای علاء

نخست وزیر

رئیس - برنامه دولت مطرح است و چون طبق توزیع شده است دیگر فرائت کردن هم لازم نیست

آقای آشتیانی زاده - بنده نظرم این بود که باید

آشتیانی زاده - خداوند بزرگ متعال را بشهادت میگیرم که در راه انجام وظیفه خطیر و مهمی که ببنظرم حفظ حقوق ملت مستکش ایران برعهده گرفته ام تا آنجا که در پیدامکان من است کوتاهی نکنم و تا پای مرگ نسبت باین اصل مقدس وفادار باشم

آقایان محترم من از پشت این تریبون تنها شما را میخوانم و خطاب قرار میدهم من می خواهم صدای ضعیف و ناتوان من از ستونهای ضعیف این تالار عبور کند و همراه آن بگویم بملیونها مرد فقیر و زحمت کشی و بی بضاعتی برسد که چشم امیدشان جز سال حاضر با صبر و استقامت انتظار دارند که اجسادشان با یک

و سینه و سینه و سینه آنها را میخورند و سینه و سینه و سینه آنها را میخورند و سینه و سینه و سینه آنها را میخورند

مامله نکنیم و همینطور که شروع کرده ایم برافروشانده این مبارزه مقدس را تا آخرین لحظه برای ملت ایران و برای استیقای حقوق مردم مستکش ادامه دهیم و شهوت جاه و مقام چشمهای ما را خیره نکند

اکنون در مجلس مجدداً این وظایف سنگین که روزی بردوش چندین نفر تقسیم میشد فقط باید بردوش لاغران توان من بار شود و من از خداوند متعال مسئلت دارم که اقتدر توانائی بمن بدهد که بتوانم این بار وجدانی را بسلامت بمقصود برسانم (انشاءالله)

در مقابل دولت حاضر اقلیت سابق و اکثریت هر دو سکوت موافقت آمیز دارند. آقای دکتر مصدق این بار وجدانی را بسلامت بمقصود برسانم (انشاءالله)

در مقابل دولت حاضر اقلیت سابق و اکثریت هر دو سکوت موافقت آمیز دارند. آقای دکتر مصدق این بار وجدانی را بسلامت بمقصود برسانم (انشاءالله)

در مقابل دولت حاضر اقلیت سابق و اکثریت هر دو سکوت موافقت آمیز دارند. آقای دکتر مصدق این بار وجدانی را بسلامت بمقصود برسانم (انشاءالله)

در مقابل دولت حاضر اقلیت سابق و اکثریت هر دو سکوت موافقت آمیز دارند. آقای دکتر مصدق این بار وجدانی را بسلامت بمقصود برسانم (انشاءالله)

در مقابل دولت حاضر اقلیت سابق و اکثریت هر دو سکوت موافقت آمیز دارند. آقای دکتر مصدق این بار وجدانی را بسلامت بمقصود برسانم (انشاءالله)

در مقابل دولت حاضر اقلیت سابق و اکثریت هر دو سکوت موافقت آمیز دارند. آقای دکتر مصدق این بار وجدانی را بسلامت بمقصود برسانم (انشاءالله)

در مقابل دولت حاضر اقلیت سابق و اکثریت هر دو سکوت موافقت آمیز دارند. آقای دکتر مصدق این بار وجدانی را بسلامت بمقصود برسانم (انشاءالله)

در مقابل دولت حاضر اقلیت سابق و اکثریت هر دو سکوت موافقت آمیز دارند. آقای دکتر مصدق این بار وجدانی را بسلامت بمقصود برسانم (انشاءالله)

در مقابل دولت حاضر اقلیت سابق و اکثریت هر دو سکوت موافقت آمیز دارند. آقای دکتر مصدق این بار وجدانی را بسلامت بمقصود برسانم (انشاءالله)

در مقابل دولت حاضر اقلیت سابق و اکثریت هر دو سکوت موافقت آمیز دارند. آقای دکتر مصدق این بار وجدانی را بسلامت بمقصود برسانم (انشاءالله)

در مقابل دولت حاضر اقلیت سابق و اکثریت هر دو سکوت موافقت آمیز دارند. آقای دکتر مصدق این بار وجدانی را بسلامت بمقصود برسانم (انشاءالله)

در مقابل دولت حاضر اقلیت سابق و اکثریت هر دو سکوت موافقت آمیز دارند. آقای دکتر مصدق این بار وجدانی را بسلامت بمقصود برسانم (انشاءالله)

در مقابل دولت حاضر اقلیت سابق و اکثریت هر دو سکوت موافقت آمیز دارند. آقای دکتر مصدق این بار وجدانی را بسلامت بمقصود برسانم (انشاءالله)

در مقابل دولت حاضر اقلیت سابق و اکثریت هر دو سکوت موافقت آمیز دارند. آقای دکتر مصدق این بار وجدانی را بسلامت بمقصود برسانم (انشاءالله)

در مقابل دولت حاضر اقلیت سابق و اکثریت هر دو سکوت موافقت آمیز دارند. آقای دکتر مصدق این بار وجدانی را بسلامت بمقصود برسانم (انشاءالله)

در مقابل دولت حاضر اقلیت سابق و اکثریت هر دو سکوت موافقت آمیز دارند. آقای دکتر مصدق این بار وجدانی را بسلامت بمقصود برسانم (انشاءالله)

در مقابل دولت حاضر اقلیت سابق و اکثریت هر دو سکوت موافقت آمیز دارند. آقای دکتر مصدق این بار وجدانی را بسلامت بمقصود برسانم (انشاءالله)

باور خواهند کرد و گاهی تذکر اینگونه مطالب ممکن است بایشان چاقوی هواخواهان آقایان مواجه شود ولی ملاحظه که روزنامه محترم شاهد بکنایه مرفوم داشته اند بنده یک تنه وارد میدان مبارزه میشوم و چشم داشتیم هم بر مایه و جاهد ملی آقایان ندارم و از خداوند مسئلت دارم که همیشه آقایان را در نیات خیر موفق بهاداد گر چه بن فحش بدهند مرا مسورد هذاب و شتم فرار دهند

از روزنامه وزین شاهد و دوست محترم آقای دکتر بقائی هم ابدأ نبرنجم زیرا وظیفه روزنامه طرفدار دولت حمله بمخالف دولت است بهلاوه بقول شاعر شیرازی

فحش از دهن تو طیبات است
نیش از قبل تو نوش داروست

بنده با دولت آقای علاء مخالفم. مخالفت من باشخص ایشان و با دولتی که تشکیل داده اند مبنائی جز هلاکت و بقاء منافع مملکت و صیانت حقوق ملت ایران ندارد

هیچ سابقه کسورتی میان بنده و آقای علاء یا وزیر ایشان وجود ندارد و با غالب آقایان سوابق دوستی و ارادت دارم ولی هیچوقت دوستیهای شخصی را وسیله افماض در خطاکاری های سیاسی و مملکتی قرار نمی دهم

چون در جلسه پیش چند نفر زمره کردند که مخالفت من با کابینه آقای علاء بباطر خلافتمندی بر مامداری آقای قوام السلطنه است (صحیح است) من سریعاً در اینجا اظهار میکنم که ابدأ چنین نیتی ندارم و آنکه معقول نیست که آقایان یعنی اکثریت قاطع مجلس موافق ایندولت و مخالف قوام السلطنه باشید و من یک نفر بغوام ایندولت را ساقط کنم و دولت دیگری بیاورم. اگر قوام السلطنه یا دیگری بخواهند زمامدار شوند باز خود شما هستید که باید برای بدهید و شاه مملکت است که باید با او فرمان بدهد. من ضعیف و بیچاره هستم که در مقابل این قدرت عظیم بغوام ایستادگی کنم. اینست که خواهش میکنم هر ایش مرا حمل بفرش شخصی نکنید و برای هر کردن و وسایل دیگری اختراع فرمائید (حاذقی - هو در بین نیست)

دروز روزنامه شاهد ارگان جبهه محترم ملی جواب بیانات روز یکشنبه مرا در مورد حمله به اعمال بی رویه دولت آقای علاء بصورت کنایه و مسخره در آورده بود (یکی از نمایندگان - چی نوشته بود)

مرفوم فرموده بودند که من گفته ام با مخالفت با دولت می خواهم مثلد کتر بقائی و جبهه الله خود ملی با هر سبزی نمیشود قرمه سبزی درست کرد

بنده کار ندارم که وجاهد ملی در اصطلاح روزنامه شاهد چه شد که در انحصار آقایان درآمد و اگر دیگران برای حفظ حقوق ملت صمیمانه فداکاری کنند از آن سبزی نخواهند بود و آقایان این کارها را بصورت دکائی بالای دکن خودشان تلقی میفرمایند

بنده پشت این تریبون عرض میکنم که مقصود من از ذکر حقایق کسب و جاهد ملی نیست - این وجاهد ارزانی آقایان باشد و امیدوارم موفق شویم وجاهد خودشان را همیشه حفظ کنند - همچنین بنده می دانم که مخالفت با دولت آقایان وجهی ملک طرف دار آن هستند. کار خطرناکی است و روزی که

آقایان نمایندگانی را میفرمایند

آقایان نمایندگانی را میفرمایند

آقایان نمایندگانی را میفرمایند

آقایان نمایندگانی را میفرمایند

آقایان نمایندگانی را میفرمایند

آقایان نمایندگانی را میفرمایند

آقایان نمایندگانی را میفرمایند

آقایان نمایندگانی را میفرمایند

آقایان نمایندگانی را میفرمایند

بزمان همه مانزدیک است عضویت آقای علاء در حزب ترقی یعنی شعبه علنی فراماسونری ایران میباشد که در رأس آن آقای حکیم الملک و آقای تقی زاده بوده اند

بنده اینجا وارد تفصیل نمیشوم و نمیخواهم وقت آقایان را تضییع کنم

اینکه چرا آقای علاء نخست وزیری را با وجود اصرار شاه و سایرین اول قبول نکردند و بعد بنا بر توصیه تقی زاده و حکیم الملک قبول نمودند دلیل واضحی دارد و آن اینست که ایشان از اجرای اوامر روسای لژ فراماسونی قدرت سر بیچی ندارند و ناچار باید اطاعت کنند

اینکه چرا آقای علاء را در چنین ایامی برای خدمتگذاری انتخاب کرده اند علتش آنست که جناب ایشان یکی از ذخائر ممدود تشکیلات فراماسونی ایران هستند که هنوز سرزبانها نیافتاده اند و سالهای سال از محیط ایران دور بوده اند و تبلیغات کافی در غیاب بنفع ایشان شده است و بعنوان یک ماسک بخوبی میشد از وجود مبارکشان استفاده کرد

در باب وطن پرستی و آزادیخواهی آقای علاء خیلی حرفها زده اند - بنده هیچ شکلی ندارم که ایشان با همان مفاهیم تقی زاده و حکیم الملک و ساعد مراغه ای وطن پرست هستند

آقایان محترم باید توجه داشته باشند که در صدر مشروطیت تقی زاده یکی از برجسته ترین احرار ایران بود اقدامات انقلابی او تشکیل کبیته ترور و تأسیس حزب دمکرات بکدام عده دیگر از آزادیخواهان همه زبان زد خاص و عام بود

حکیمی - جنفک میگویند آقایان فرار لرزی - برنامه تقی زاده که مطرح نیست

آشتیانی زاده - بروماه گفتند شامدت کبیت گفت دم - و این حکایت را آقای عبدالقادر آزاد در روزنامه آزاد بعنوان بیانات سردار اسعد بایسکی دیگر از پشتیبانیها چاپ کرده اند اینها تاریخ است تاریخ خرا که نمیشود عوض کرد

حکیمی - کی می نویسد این تاریخ خرا بی خود نوشته اند

آشتیانی زاده - پس هر کس هر چه نوشته است دروغ و بیخود است

بعضی از نمایندگان - آقای آزاد تشریف آوردند

آشتیانی زاده - آقای آزاد راجع بجاسوسی آقای تقی زاده در برلین است یک عبارتی در اینجا بنده دارم و این حکایت را آقای عبدالقادر آزاد در روزنامه آزاد بعنوان بیانات سردار اسعد بایسکی از پشتیبانیها چاپ کرده است (صحیح است) باید بار آورد اول شست بعد توی سر که ریخت درش را گذاشت چند وقت که ماند بشود با بدنجان تره سی سال تمام طول کشید تا مردم ایران فهمیدند این سید انقلابی برای چه روزی در انبار فراماسونها ذخیره شده بود

کابینه قرار داد ۱۹۳۳ غالب فراماسون ها عضویت داشته اند مرحوم فروغی از روسای لژ وزیر خارجه بود تقی زاده وزیر دارائی کاشانی وزیر راه نجم الملک صدر

کلی وزارت دارائی علاء رئیس بانک ملی داور وزیر دادگستری (بعضی از نمایندگان کان - رئیس بانک ملی که عضو کابینه نیست) بانك از کابینه مهمتر است (شوشتری - مرحوم فروغی خدمت بایران کرد) بلی اصلا پنجاه شصت سال است همه مشغول خدمت باین مملکت اند (شوشتری - خدمات فروغی روشن است) ما که بفروغی بد نگفتم گفتم وزیر خارجه بود بنده خودم مرحوم فروغی را معتقدم مرد فاضل و ادیبی بود ولی در ۱۹۳۳ وزیر خارجه بودند (بعضی از نمایندگان گاه - باشد) این زیاد هم خوب بود باشد سر امام حسین را هم بریده باشد (شوشتری - چرا توهین میکنید آقایان) من بفروغی توهین نکردم داور و علاء از طرف دولت مأمور مذاکره در جامعه ملل گردیدند و همانجا طبق دستور سر جان سیمن مقدمات آشتی را فراهم کرده اند و بنا بر اتراف تقی زاده حسین علاء یعنی این آقای رئیس الوزرا و جبهه الله طرف شور و شخصاً مؤثر در انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ بوده است (حاذقی - گفتند ما مجبور بودیم امضاء کنیم که تا بتوانیم ملل کنیم) من مردم را بشهادت میگیرم برای این حرفهای شما پس دهوایتان سر چیست پس این مبارزه ما برای چیست؟ مقصود این است که فراماسونها برای انجام کارهای بزرگ همیشه اشخاص را ذخیره دارند که نامشان بزشتی معروف نشده باشد و مثل خود تقی زاده سی سال غلط مشهور میشود تا یک روز قرارداد را امضاء کند و چنانکه ملاحظه میکنیم هیچوقت هم این اشخاص بیکار نبوده اند تقی زاده و علاء و دکتر مصدق هر سه مخالف تفسیر سلطنت قاجاریه بودند دکتر مصدق در حکومت پهلوی زندانی و تبعید شد ولی تقی زاده سفیر لندن و بعد وزیر دارائی و باز سفیر لندن و بالاخره استاد فارسی دانشگاه کبریج گردید و بعد از شهریور نیز سفیر لندن شد تا آنکه از لندن بکسر بپس فرار کرد (حاذقی - مردم تهران انتخا بکش کردند) (یناه - از تبریز انتخا بکش شدند) بعد این چیزها سخبات دارد اگر ما بگویم ماست سفید است شامه گویند اینطور نیست برای این که دلتان نمیخواهد اینطور باشد دلتان میخواهد آقای تقی زاده قرارداد ۱۹۳۳ را امضاء کرده باشد خودش هم گفت من امضا کردم پس خوبست پس باید نفت ملی شود اینکه جور در نمی آید اینکه با هم تطبیق نمی کنند - ملاحظتی بیکروز بیکار نماند و بیست های سفارت لندن و پاریس و اوواشکنن با چاره اوداده شده بود مدت ها رئیس بانک ملی بود با آنکه هیچگونه تخصصی در امور اقتصادی نداشته و بعد از او هم فرزین یکی دیگر از فراماسونها در این پست مستقر شد (حاذقی - خدمت کرد ب مملکت) من تاریخ اینها را ول کن نیستیم و تا آخر مجلس خواهم گفت تا وقتی که میفرمایند مجلس را به بنده هدیه میکنید همین وزرای ملی مجلس را خواهند بست حالا خواهی دید همه اینها باین قیانه های باطل و تیز مجلس را خواهند بست (حاذقی - مردم ورامین و شهریار واقف میشوند به انتخا ب) شما حقان است هر چه میفرمایید بفرمائید شما موافق الدوله هستید هاشاق حاکم عراق - تقی زاده و علاء از طرف همان سلسله ای که مخالف سلطنت آن بودند در تمام مدت مأموریت های سیاسی و اقتصادی مهم داشته اند و علاء دوبار بوزارت دربار همین سلسله منصوب شده بطور شد که مصدق السلطنه تبعید شد بفراسان و همیشه خانه اش تحت نظر بود و شما

کلی وزارت دارائی علاء رئیس بانک ملی داور وزیر دادگستری (بعضی از نمایندگان کان - رئیس بانک ملی که عضو کابینه نیست) بانك از کابینه مهمتر است (شوشتری - مرحوم فروغی خدمت بایران کرد) بلی اصلا پنجاه شصت سال است همه مشغول خدمت باین مملکت اند (شوشتری - خدمات فروغی روشن است) ما که بفروغی بد نگفتم گفتم وزیر خارجه بود بنده خودم مرحوم فروغی را معتقدم مرد فاضل و ادیبی بود ولی در ۱۹۳۳ وزیر خارجه بودند (بعضی از نمایندگان گاه - باشد) این زیاد هم خوب بود باشد سر امام حسین را هم بریده باشد (شوشتری - چرا توهین میکنید آقایان) من بفروغی توهین نکردم داور و علاء از طرف دولت مأمور مذاکره در جامعه ملل گردیدند و همانجا طبق دستور سر جان سیمن مقدمات آشتی را فراهم کرده اند و بنا بر اتراف تقی زاده حسین علاء یعنی این آقای رئیس الوزرا و جبهه الله طرف شور و شخصاً مؤثر در انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ بوده است (حاذقی - گفتند ما مجبور بودیم امضاء کنیم که تا بتوانیم ملل کنیم) من مردم را بشهادت میگیرم برای این حرفهای شما پس دهوایتان سر چیست پس این مبارزه ما برای چیست؟ مقصود این است که فراماسونها برای انجام کارهای بزرگ همیشه اشخاص را ذخیره دارند که نامشان بزشتی معروف نشده باشد و مثل خود تقی زاده سی سال غلط مشهور میشود تا یک روز قرارداد را امضاء کند و چنانکه ملاحظه میکنیم هیچوقت هم این اشخاص بیکار نبوده اند تقی زاده و علاء و دکتر مصدق هر سه مخالف تفسیر سلطنت قاجاریه بودند دکتر مصدق در حکومت پهلوی زندانی و تبعید شد ولی تقی زاده سفیر لندن و بعد وزیر دارائی و باز سفیر لندن و بالاخره استاد فارسی دانشگاه کبریج گردید و بعد از شهریور نیز سفیر لندن شد تا آنکه از لندن بکسر بپس فرار کرد (حاذقی - مردم تهران انتخا بکش کردند) (یناه - از تبریز انتخا بکش شدند) بعد این چیزها سخبات دارد اگر ما بگویم ماست سفید است شامه گویند اینطور نیست برای این که دلتان نمیخواهد اینطور باشد دلتان میخواهد آقای تقی زاده قرارداد ۱۹۳۳ را امضاء کرده باشد خودش هم گفت من امضا کردم پس خوبست پس باید نفت ملی شود اینکه جور در نمی آید اینکه با هم تطبیق نمی کنند - ملاحظتی بیکروز بیکار نماند و بیست های سفارت لندن و پاریس و اوواشکنن با چاره اوداده شده بود مدت ها رئیس بانک ملی بود با آنکه هیچگونه تخصصی در امور اقتصادی نداشته و بعد از او هم فرزین یکی دیگر از فراماسونها در این پست مستقر شد (حاذقی - خدمت کرد ب مملکت) من تاریخ اینها را ول کن نیستیم و تا آخر مجلس خواهم گفت تا وقتی که میفرمایند مجلس را به بنده هدیه میکنید همین وزرای ملی مجلس را خواهند بست حالا خواهی دید همه اینها باین قیانه های باطل و تیز مجلس را خواهند بست (حاذقی - مردم ورامین و شهریار واقف میشوند به انتخا ب) شما حقان است هر چه میفرمایید بفرمائید شما موافق الدوله هستید هاشاق حاکم عراق - تقی زاده و علاء از طرف همان سلسله ای که مخالف سلطنت آن بودند در تمام مدت مأموریت های سیاسی و اقتصادی مهم داشته اند و علاء دوبار بوزارت دربار همین سلسله منصوب شده بطور شد که مصدق السلطنه تبعید شد بفراسان و همیشه خانه اش تحت نظر بود و شما

کلی وزارت دارائی علاء رئیس بانک ملی داور وزیر دادگستری (بعضی از نمایندگان کان - رئیس بانک ملی که عضو کابینه نیست) بانك از کابینه مهمتر است (شوشتری - مرحوم فروغی خدمت بایران کرد) بلی اصلا پنجاه شصت سال است همه مشغول خدمت باین مملکت اند (شوشتری - خدمات فروغی روشن است) ما که بفروغی بد نگفتم گفتم وزیر خارجه بود بنده خودم مرحوم فروغی را معتقدم مرد فاضل و ادیبی بود ولی در ۱۹۳۳ وزیر خارجه بودند (بعضی از نمایندگان گاه - باشد) این زیاد هم خوب بود باشد سر امام حسین را هم بریده باشد (شوشتری - چرا توهین میکنید آقایان) من بفروغی توهین نکردم داور و علاء از طرف دولت مأمور مذاکره در جامعه ملل گردیدند و همانجا طبق دستور سر جان سیمن مقدمات آشتی را فراهم کرده اند و بنا بر اتراف تقی زاده حسین علاء یعنی این آقای رئیس الوزرا و جبهه الله طرف شور و شخصاً مؤثر در انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ بوده است (حاذقی - گفتند ما مجبور بودیم امضاء کنیم که تا بتوانیم ملل کنیم) من مردم را بشهادت میگیرم برای این حرفهای شما پس دهوایتان سر چیست پس این مبارزه ما برای چیست؟ مقصود این است که فراماسونها برای انجام کارهای بزرگ همیشه اشخاص را ذخیره دارند که نامشان بزشتی معروف نشده باشد و مثل خود تقی زاده سی سال غلط مشهور میشود تا یک روز قرارداد را امضاء کند و چنانکه ملاحظه میکنیم هیچوقت هم این اشخاص بیکار نبوده اند تقی زاده و علاء و دکتر مصدق هر سه مخالف تفسیر سلطنت قاجاریه بودند دکتر مصدق در حکومت پهلوی زندانی و تبعید شد ولی تقی زاده سفیر لندن و بعد وزیر دارائی و باز سفیر لندن و بالاخره استاد فارسی دانشگاه کبریج گردید و بعد از شهریور نیز سفیر لندن شد تا آنکه از لندن بکسر بپس فرار کرد (حاذقی - مردم تهران انتخا بکش کردند) (یناه - از تبریز انتخا بکش شدند) بعد این چیزها سخبات دارد اگر ما بگویم ماست سفید است شامه گویند اینطور نیست برای این که دلتان نمیخواهد اینطور باشد دلتان میخواهد آقای تقی زاده قرارداد ۱۹۳۳ را امضاء کرده باشد خودش هم گفت من امضا کردم پس خوبست پس باید نفت ملی شود اینکه جور در نمی آید اینکه با هم تطبیق نمی کنند - ملاحظتی بیکروز بیکار نماند و بیست های سفارت لندن و پاریس و اوواشکنن با چاره اوداده شده بود مدت ها رئیس بانک ملی بود با آنکه هیچگونه تخصصی در امور اقتصادی نداشته و بعد از او هم فرزین یکی دیگر از فراماسونها در این پست مستقر شد (حاذقی - خدمت کرد ب مملکت) من تاریخ اینها را ول کن نیستیم و تا آخر مجلس خواهم گفت تا وقتی که میفرمایند مجلس را به بنده هدیه میکنید همین وزرای ملی مجلس را خواهند بست حالا خواهی دید همه اینها باین قیانه های باطل و تیز مجلس را خواهند بست (حاذقی - مردم ورامین و شهریار واقف میشوند به انتخا ب) شما حقان است هر چه میفرمایید بفرمائید شما موافق الدوله هستید هاشاق حاکم عراق - تقی زاده و علاء از طرف همان سلسله ای که مخالف سلطنت آن بودند در تمام مدت مأموریت های سیاسی و اقتصادی مهم داشته اند و علاء دوبار بوزارت دربار همین سلسله منصوب شده بطور شد که مصدق السلطنه تبعید شد بفراسان و همیشه خانه اش تحت نظر بود و شما

کلی وزارت دارائی علاء رئیس بانک ملی داور وزیر دادگستری (بعضی از نمایندگان کان - رئیس بانک ملی که عضو کابینه نیست) بانك از کابینه مهمتر است (شوشتری - مرحوم فروغی خدمت بایران کرد) بلی اصلا پنجاه شصت سال است همه مشغول خدمت باین مملکت اند (شوشتری - خدمات فروغی روشن است) ما که بفروغی بد نگفتم گفتم وزیر خارجه بود بنده خودم مرحوم فروغی را معتقدم مرد فاضل و ادیبی بود ولی در ۱۹۳۳ وزیر خارجه بودند (بعضی از نمایندگان گاه - باشد) این زیاد هم خوب بود باشد سر امام حسین را هم بریده باشد (شوشتری - چرا توهین میکنید آقایان) من بفروغی توهین نکردم داور و علاء از طرف دولت مأمور مذاکره در جامعه ملل گردیدند و همانجا طبق دستور سر جان سیمن مقدمات آشتی را فراهم کرده اند و بنا بر اتراف تقی زاده حسین علاء یعنی این آقای رئیس الوزرا و جبهه الله طرف شور و شخصاً مؤثر در انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ بوده است (حاذقی - گفتند ما مجبور بودیم امضاء کنیم که تا بتوانیم ملل کنیم) من مردم را بشهادت میگیرم برای این حرفهای شما پس دهوایتان سر چیست پس این مبارزه ما برای چیست؟ مقصود این است که فراماسونها برای انجام کارهای بزرگ همیشه اشخاص را ذخیره دارند که نامشان بزشتی معروف نشده باشد و مثل خود تقی زاده سی سال غلط مشهور میشود تا یک روز قرارداد را امضاء کند و چنانکه ملاحظه میکنیم هیچوقت هم این اشخاص بیکار نبوده اند تقی زاده و علاء و دکتر مصدق هر سه مخالف تفسیر سلطنت قاجاریه بودند دکتر مصدق در حکومت پهلوی زندانی و تبعید شد ولی تقی زاده سفیر لندن و بعد وزیر دارائی و باز سفیر لندن و بالاخره استاد فارسی دانشگاه کبریج گردید و بعد از شهریور نیز سفیر لندن شد تا آنکه از لندن بکسر بپس فرار کرد (حاذقی - مردم تهران انتخا بکش کردند) (یناه - از تبریز انتخا بکش شدند) بعد این چیزها سخبات دارد اگر ما بگویم ماست سفید است شامه گویند اینطور نیست برای این که دلتان نمیخواهد اینطور باشد دلتان میخواهد آقای تقی زاده قرارداد ۱۹۳۳ را امضاء کرده باشد خودش هم گفت من امضا کردم پس خوبست پس باید نفت ملی شود اینکه جور در نمی آید اینکه با هم تطبیق نمی کنند - ملاحظتی بیکروز بیکار نماند و بیست های سفارت لندن و پاریس و اوواشکنن با چاره اوداده شده بود مدت ها رئیس بانک ملی بود با آنکه هیچگونه تخصصی در امور اقتصادی نداشته و بعد از او هم فرزین یکی دیگر از فراماسونها در این پست مستقر شد (حاذقی - خدمت کرد ب مملکت) من تاریخ اینها را ول کن نیستیم و تا آخر مجلس خواهم گفت تا وقتی که میفرمایند مجلس را به بنده هدیه میکنید همین وزرای ملی مجلس را خواهند بست حالا خواهی دید همه اینها باین قیانه های باطل و تیز مجلس را خواهند بست (حاذقی - مردم ورامین و شهریار واقف میشوند به انتخا ب) شما حقان است هر چه میفرمایید بفرمائید شما موافق الدوله هستید هاشاق حاکم عراق - تقی زاده و علاء از طرف همان سلسله ای که مخالف سلطنت آن بودند در تمام مدت مأموریت های سیاسی و اقتصادی مهم داشته اند و علاء دوبار بوزارت دربار همین سلسله منصوب شده بطور شد که مصدق السلطنه تبعید شد بفراسان و همیشه خانه اش تحت نظر بود و شما

کلی وزارت دارائی علاء رئیس بانک ملی داور وزیر دادگستری (بعضی از نمایندگان کان - رئیس بانک ملی که عضو کابینه نیست) بانك از کابینه مهمتر است (شوشتری - مرحوم فروغی خدمت بایران کرد) بلی اصلا پنجاه شصت سال است همه مشغول خدمت باین مملکت اند (شوشتری - خدمات فروغی روشن است) ما که بفروغی بد نگفتم گفتم وزیر خارجه بود بنده خودم مرحوم فروغی را معتقدم مرد فاضل و ادیبی بود ولی در ۱۹۳۳ وزیر خارجه بودند (بعضی از نمایندگان گاه - باشد) این زیاد هم خوب بود باشد سر امام حسین را هم بریده باشد (شوشتری - چرا توهین میکنید آقایان) من بفروغی توهین نکردم داور و علاء از طرف دولت مأمور مذاکره در جامعه ملل گردیدند و همانجا طبق دستور سر جان سیمن مقدمات آشتی را فراهم کرده اند و بنا بر اتراف تقی زاده حسین علاء یعنی این آقای رئیس الوزرا و جبهه الله طرف شور و شخصاً مؤثر در انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ بوده است (حاذقی - گفتند ما مجبور بودیم امضاء کنیم که تا بتوانیم ملل کنیم) من مردم را بشهادت میگیرم برای این حرفهای شما پس دهوایتان سر چیست پس این مبارزه ما برای چیست؟ مقصود این است که فراماسونها برای انجام کارهای بزرگ همیشه اشخاص را ذخیره دارند که نامشان بزشتی معروف نشده باشد و مثل خود تقی زاده سی سال غلط مشهور میشود تا یک روز قرارداد را امضاء کند و چنانکه ملاحظه میکنیم هیچوقت هم این اشخاص بیکار نبوده اند تقی زاده و علاء و دکتر مصدق هر سه مخالف تفسیر سلطنت قاجاریه بودند دکتر مصدق در حکومت پهلوی زندانی و تبعید شد ولی تقی زاده سفیر لندن و بعد وزیر دارائی و باز سفیر لندن و بالاخره استاد فارسی دانشگاه کبریج گردید و بعد از شهریور نیز سفیر لندن شد تا آنکه از لندن بکسر بپس فرار کرد (حاذقی - مردم تهران انتخا بکش کردند) (یناه - از تبریز انتخا بکش شدند) بعد این چیزها سخبات دارد اگر ما بگویم ماست سفید است شامه گویند اینطور نیست برای این که دلتان نمیخواهد اینطور باشد دلتان میخواهد آقای تقی زاده قرارداد ۱۹۳۳ را امضاء کرده باشد خودش هم گفت من امضا کردم پس خوبست پس باید نفت ملی شود اینکه جور در نمی آید اینکه با هم تطبیق نمی کنند - ملاحظتی بیکروز بیکار نماند و بیست های سفارت لندن و پاریس و اوواشکنن با چاره اوداده شده بود مدت ها رئیس بانک ملی بود با آنکه هیچگونه تخصصی در امور اقتصادی نداشته و بعد از او هم فرزین یکی دیگر از فراماسونها در این پست مستقر شد (حاذقی - خدمت کرد ب مملکت) من تاریخ اینها را ول کن نیستیم و تا آخر مجلس خواهم گفت تا وقتی که میفرمایند مجلس را به بنده هدیه میکنید همین وزرای ملی مجلس را خواهند بست حالا خواهی دید همه اینها باین قیانه های باطل و تیز مجلس را خواهند بست (حاذقی - مردم ورامین و شهریار واقف میشوند به انتخا ب) شما حقان است هر چه میفرمایید بفرمائید شما موافق الدوله هستید هاشاق حاکم عراق - تقی زاده و علاء از طرف همان سلسله ای که مخالف سلطنت آن بودند در تمام مدت مأموریت های سیاسی و اقتصادی مهم داشته اند و علاء دوبار بوزارت دربار همین سلسله منصوب شده بطور شد که مصدق السلطنه تبعید شد بفراسان و همیشه خانه اش تحت نظر بود و شما

کلی وزارت دارائی علاء رئیس بانک ملی داور وزیر دادگستری (بعضی از نمایندگان کان - رئیس بانک ملی که عضو کابینه نیست) بانك از کابینه مهمتر است (شوشتری - مرحوم فروغی خدمت بایران کرد) بلی اصلا پنجاه شصت سال است همه مشغول خدمت باین مملکت اند (شوشتری - خدمات فروغی روشن است) ما که بفروغی بد نگفتم گفتم وزیر خارجه بود بنده خودم مرحوم فروغی را معتقدم مرد فاضل و ادیبی بود ولی در ۱۹۳۳ وزیر خارجه بودند (بعضی از نمایندگان گاه - باشد) این زیاد هم خوب بود باشد سر امام حسین را هم بریده باشد (شوشتری - چرا توهین میکنید آقایان) من بفروغی توهین نکردم داور و علاء از طرف دولت مأمور مذاکره در جامعه ملل گردیدند و همانجا طبق دستور سر جان سیمن مقدمات آشتی را فراهم کرده اند و بنا بر اتراف تقی زاده حسین علاء یعنی این آقای رئیس الوزرا و جبهه الله طرف شور و شخصاً مؤثر در انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ بوده است (حاذقی - گفتند ما مجبور بودیم امضاء کنیم که تا بتوانیم ملل کنیم) من مردم را بشهادت میگیرم برای این حرفهای شما پس دهوایتان سر چیست پس این مبارزه ما برای چیست؟ مقصود این است که فراماسونها برای انجام کارهای بزرگ همیشه اشخاص را ذخیره دارند که نامشان بزشتی معروف نشده باشد و مثل خود تقی زاده سی سال غلط مشهور میشود تا یک روز قرارداد را امضاء کند و چنانکه ملاحظه میکنیم هیچوقت هم این اشخاص بیکار نبوده اند تقی زاده و علاء و دکتر مصدق هر سه مخالف تفسیر سلطنت قاجاریه بودند دکتر مصدق در حکومت پهلوی زندانی و تبعید شد ولی تقی زاده سفیر لندن و بعد وزیر دارائی و باز سفیر لندن و بالاخره استاد فارسی دانشگاه کبریج گردید و بعد از شهریور نیز سفیر لندن شد تا آنکه از لندن بکسر بپس فرار کرد (حاذقی - مردم تهران انتخا بکش کردند) (یناه - از تبریز انتخا بکش شدند) بعد این چیزها سخبات دارد اگر ما بگویم ماست سفید است شامه گویند اینطور نیست برای این که دلتان نمیخواهد اینطور باشد دلتان میخواهد آقای تقی زاده قرارداد ۱۹۳۳ را امضاء کرده باشد خودش هم گفت من امضا کردم پس خوبست پس باید نفت ملی شود اینکه جور در نمی آید اینکه با هم تطبیق نمی کنند - ملاحظتی بیکروز بیکار نماند و بیست های سفارت لندن و پاریس و اوواشکنن با چاره اوداده شده بود مدت ها رئیس بانک ملی بود با آنکه هیچگونه تخصصی در امور اقتصادی نداشته و بعد از او هم فرزین یکی دیگر از فراماسونها در این پست مستقر شد (حاذقی - خدمت کرد ب مملکت) من تاریخ اینها را ول کن نیستیم و تا آخر مجلس خواهم گفت تا وقتی که میفرمایند مجلس را به بنده هدیه میکنید همین وزرای ملی مجلس را خواهند بست حالا خواهی دید همه اینها باین قیانه های باطل و تیز مجلس را خواهند بست (حاذقی - مردم ورامین و شهریار واقف میشوند به انتخا ب) شما حقان است هر چه میفرمایید بفرمائید شما موافق الدوله هستید هاشاق حاکم عراق - تقی زاده و علاء از طرف همان سلسله ای که مخالف سلطنت آن بودند در تمام مدت مأموریت های سیاسی و اقتصادی مهم داشته اند و علاء دوبار بوزارت دربار همین سلسله منصوب شده بطور شد که مصدق السلطنه تبعید شد بفراسان و همیشه خانه اش تحت نظر بود و شما

روزی بیکار نبودید همیشه سفر گیر بودید همیشه اینجور مخالف خوست از این راهها برای ما هم پیدا کنید یاد بگیریم اینها را دارند اینها می آیند اینجا یک باوف میزند بعد بیست سال سفیر لندن و سفیر پاریس واشنگتن و اینها (محمدعلی مسعودی - همین رویه را ادامه بدهید می رسید) صحیح است آقای مسعودی در صورتی که دکتر مصدق در تمام مدت تبعید بود مرحوم سید حسن مدرس اهل الله مقامه را با جرم مخالفت با تغییر سلطنت کشتند بلی وقتی که آقای در واشنگتن بودید مدرس را خفه کردند شما مدرس هر دو مخالف بودید او را خفه کردند آقا سفیر گیر هدید اینها را ما باید بفهمیم ملک الشعراء بهار در تمام مدت سلطنت بهلوی دچار حبس و تبعید و گوشه نشینی بود - این حقایق را از این جهت عرض میکنم که مردم ایران گذشته را بخاطر بیایورند و بدانند که چگونه این فطرت های مشهور را امیرالیزم ذخیره میکند تا یک روز که بوجودشان احتیاج دارد روی کار بیارند هنر آقای علاء که از طرف فراماسونها درباره آن تبلیغ میشود این بوده است که بدستور دولت ایران و بعنوان سفیر کبیر در شورای امنیت سازمان ملل راجع بقضیه آذربایجان شکایت ایران را تقبیل کرد یعنی کاری را که تقی زاده در لندن انجام میداد علاء در واشنگتن کرد (تیسر و تاش - همین هنر بس است) (فقیه زاده - اگر علاء نبود آذربایجان رفته بود) عده ای بی اطلاع تصور کردند که علاء علی رغم دولت ایران مبادرت بیک چنین کاری کرده است در صورتی که هر چه ایجاد بخوان میدانند که سفیر یک دولت بدون دستور دولت متبوع خود کاری نمیتواند انجام دهد و حرف ها و نوشته های او در غیر اینصورت رسمیت ندارد و اگر برخلاف دستور دولت مبادرت بیک چنین اقدامی کند فراخوانده میشود - (سنندمی - خدمت علاء را نباید انکار کرد) اینها هم اش خدمت است (فرامرزی - خدمت نیست ؟) قرارداد ۱۹۳۳ خدمت است پس چرا بساعد و گلشنایان فحش میدهند اگر قرارداد کس - گلشنایان بد است قرارداد آقای تقی زاده و داور و علاء که بدتر است این قرارداد ۱۹۳۳ که بدتر است تمام بدبختی های این ملت ناشی از اوضاع این قرارداد است سرچشمه بدبختی های مملکت آنجاست (اسلامی - صحیح است آقای حالا خاموش شده) (حاذقی - نفت باید ملی شود) نفت باید ملی شود ولی قرارداد خوب است - وطن پرستی آقای علاء در این مورد (اگر خارج از حدود وظیفه رسمی او مطالعه کنیم) مانند وطن پرستی تقی زاده و ساعد همه در کادر دستورات فراماسوئی می باشد یعنی تقی زاده تا جایی که پای منافع انگلستان در بین نباشد ایرانی است و ایرانی بودن او هم مفهوم حفظ منافع انگلستان را میدهد ولی همیشه پای قرار - داد ۱۹۳۳ پیش می آید تقی زاده سلسله الاجتیار می - شود و بی اراده پای سنده خیانت وطن را امضاء میکند ساعد مراغه ای هم چیزی شبیه بیجناب علاء و تقی زاده بود در سال ۱۳۲۳ هم بیاد دارند که موقع مسافرت کافتار آره چگونه وطن پرست شده بود و طرح تحریم امتیاز نفت بشوروی را بعنوان تصمصم کابینه خود در مجلس اعلام کرده بود ولی همین ساعد در سال ۱۳۲۷ قیافه واقعی خود را نشان داد و جاییکه پای منافع ایران را سندان آمد باز سلسله الاجتیار شد و

پانزده هزار لیره هم انعام گرفت و به جیب زد اینطور میگوبند المهدی الرای فقط همان آفتاب دزدان را باید بدزد من تعیین میکنم آن زلفعلی آن دزد گردنه را که آنطور با هاهام از خودش دفاع کرد بلی آنها دزدند ولی این دزد های با چراغ این فراماسونهای با ماسک همه وطن پرست و خادماند اسراری دارم که بعد میگویم (یکی از نمایندگان - همه را بفرمائید) همه را نمیشود گفت خرد خرد میگویم اکنون اوضاع احوالی شبیه سال ۱۹۳۳ و شبیه سال ۱۳۲۷ در پیش است کمیانی نفت احتیاج بیک ماسک فریبنده و یک قیافه ساکت و آرام دارد که زیر آن قیافه بند و بست ها کامل شود و آثار مبارزات ملت ایران خنثی گردد آقای حسین علاء عضو تشکیلات فراماسوئی شریک عقد قرارداد ۱۹۳۳ دوست صمیمی آقایان تقی زاده و حکیم الملک در یک چنین شرایطی بنا بدستور از فراماسون قبول زمامداری کرده است در میان وزراء او کسانی که با ایشان هم مسلک و هم نرزه هستند وجود دارند اسم نمبرم نمیکندم وزرا را برای بد چون وزراء همه شان ملی هستند بیشتر شان ملی هستند عناصر ملی هستند هیچکدام تاحالا سر کار نبودند همه ملیند ولی اینها برای کار رفت بهترین اشخاص نام المطلوب همینها هستند - عامل قرارداد ۱۹۳۳ با تضام اشخاص از همان قماش دور هم جمع شده اند تا ریشه کمیانی نفت جنوب را قطع کنند این را هر چه دو ساله ای میفهمد باور نمیکند (آزاد - مجلس قرار داد را لغو کرده است و اینها عملی میکنند) نفت را ملی کرده قرارداد را لغو نکرده (فقیه زاده - یادداشت هم که دادند) آقایان محترم چهار سال تمام ملت ایران برای پاره کردن زنجیر های اسارت اقتصادی و نجات از چنگال کمیانی نفت مبارزه کرده است سراسر مجلس پانزدهم را تشنجات مربوط به نفت باستیفاحات عباس اسکندری که منجر با اعتراضات تقی زاده شد و همچنین مبارزات اقلیت برای خنثی گذاشتن قرارداد کس - گلشنایان قرار گرفت مجلس شانزدهم با جنک نفت افتتاح شد و ملت ایران این بار سهم خیلی مؤثری در مبارزات مزبور داشت مجبوره این مبارزات و مجاهدات آقایان و کمک حوادث بین المللی بنا مجال داد که رأی بلی شدن صنعت نفت در سراسر ایران بنهیم من از آقایان نمایندگان مجلس میپرسم که آیا با حلوا گفتن دهان شیرین میشود ؟ آیا با رأی دادن بلی شدن صنعت نفت صنعت نفت در ایران واقعا ملی خواهد شد ؟ (بعضی از نمایندگان - بلی ، البته) مجلس شورای ملی از لحاظ وظیفه قانونگزاری اصل ملی شدن را وضع کردند ولی اجرای این اصل باید بوسیله قوه مجریه بعمل آید (حاذقی - هنوز که کیسیون نظر نداده است) معلوم میشود چنانچه ملی هم مدافع هستید باش تا صبح دولت بدست من آقا سرسیرده این مرد هستم من سرسیرده بد کتر مصدق هستم و هیچکس نباید از من جدا کاری را برای این مردم محترم نکرده ۸ تا بر برای خاطر این مرد من خودم (بعضی از نمایندگان - کجا) همین جا جلوی مجلس (چواد مسعودی - ولسی اصابت نکند) (شوشتری - تیر شهادت بوده) قوه مجریه مملکت نباید فوراً برای تحقق این اصل اقدامات لازم را مبذول دارد باید فوراً صنعت نفت را تصرف در آورد باید فوراً بحملیات کمیانی نفت خامه

قوه مجریه که در رأس آن دولت قرار دارد باید این وظیفه قانونی خود را در کمال حسن نیت بر سر راه اجرا بیارند - آیا اتفاق افتاده است که یکی از صحیح اسلام برای تبلیغ دین زمین و ساختن مسجد یک یهودی بیا یک همسوی را مأمور کند ؟ آیا میشود تصور کرد یک کمونیست برای تحکیم مبانی سرمایه داری بکوشد ؟ آیا میشود فکر کرد که یک فاشیست برای تحکیم مبانی کمونیسم جانفشانی کند ؟ مسلمانان است - چرا برای اینکه عامل اجرا را گرمون و معتقد با جراح کم و اصل فکر نباشد اگر صدیق و او این نباشد جز خرابکاری کاری نخواهد کرد وقتی در یک کشور رژیم تغییر میکنند وقت استبداد تبدیل بشوروی میشود مسلماً هواملی در رأس امور قرار میگیرد که حامی رژیم جدید باشد و اگر غیر از این بود محمد علی میرزا تا آخر عمر سلطان ایران بود - حالا که مجلسین رأی بلی شدن صنعت نفت داده اند باید دولتی بر سر کار باشد که معتقد به بطلان قرارداد ۱۹۳۳ و موافق باستیفای حقوق ملت ایران و ملی شدن صنعت نفت باشد - اگر این اصل را قبول داریم پس آقای علاء مشاور و مؤثر در امضاء قرارداد ۱۹۳۳ صلاحیت زمامداری را در یک چنین شرایطی ندارد - هنوز سه روز از گرفتن فرمان نخست وزیری علاء نگذشته بود که در مصاحبه با مغبیر یونایتد پرسی آقای علاء نظر به صریح خود را راجع به قرارداد ۱۹۳۳ اظهار داشت این مصاحبه در تمام جراید تهران چاپ شد و عین جمله آقای علاء اینست که : ماسمی میکنیم تعهدات خود را محترم شماریم - تعهدات آقای علاء و شرکاء او در این تعهدات حقوقی و تعهداتی که فقط جناب نفت ایران بلند است جز قرارداد ۱۹۳۳ چه میتواند باشد - اگر موافقت با قرارداد ۱۹۳۳ دلیل عدم صلاحیت علاء برای زمامداری و ملی کردن صنعت نفت نمیشود ممکن است آقایان بفرمایند پس چه دلیلی بر عدم صلاحیت سایرین از جمله تقی زاده ممکن است اقامه شود ؟ پس چرا این قدر بیتی زاده فحش میدهند ؟ رئیس دولت عضو نیت استانیست که هر روز هر دو رویه به او دادند بدون چون و چرا اجرا کنند - علاء بنا با اعتراف تقی زاده طرف مشورت و یکی از شرکاء تنظیم قرارداد ۱۹۳۳ بوده است در اینصورت دوست ۳۰ ساله آقای د کتر مصدق شایستگی و صلاحیت زمامداری ملتی را ندارد که علیه عاقدین قرار داد مزبور اعلام جرم کرده است و همه آنها را خرابکار بوطن شناخته است - عجب است که همکاران علاء غالباً دارای رنگ انگلیسی شخصی و روحی هستند دل آقای دکتر مصدق خوش است که وزرا رژیم آزا در کابینه علاء نیستند گناه وزراء رژیم آزا از نظر آقای د کتر مصدق این بوده است که چون در کابینه منافع قرارداد کس - گلشنایان بوده است پس صلاحیت نظارت ندارند - پس چه طور آقای د کتر مصدق کسی را که با اعتراف امضاء کننده قرارداد شریک و طرف مشورت و مؤثر در امضاء قرارداد ۱۹۳۳ بوده است صالح برای مقام نخست وزیری تشخیص داده اند - همین حقایق است که موجب انکار است

میان مردم شده است و عده ای اظهار میدارند که آقایان جبهه ملی با دولت از زیر ساخته اند و راه حل کار نفت را بطوریکه نه سیخ بسوزد و نه کباب تضمین کرده اند - بنده نمیدانم تا چه اندازه این شایعات صحیح است ولی اگر خدای نکرده یکروز این پیش بینی درست در آید حساب ملت ایران باک است - ملت ایران هیچ قیمت مایل نیست نفت خود را در انحصار یک دولت بیا یک کمپانی خارجی قرار دهد (صحیح است) - تأسیسات نفتی باید از طرف دولت ضبط شود و بحساب گذشته شرکت رسیدگی کنند و نفت تصفیه شده را بزیاده بگذارند هر دولت هر کمیانی که بیشتر رعایت حال ما را کرد با این معامله خواهیم نمود بنده فعلا بیشتر از این در این باب توضیح نمیدهم تا وقتی که موضوع نظر کمیسیون نفت معلوم شود و آنوقت حقایق را افشاء خواهم کرد که مجال هیچگونه بندو بست و سازشی را بر ضرر منافع ملت ایران برای کسی باقی نگذارد - اگر حقیقه جبهه ملی راه حلی برای نفت پیدا کرده است و بر راستی در صدد ملی کردن صنعت نفت میباشد راه کار ساختن مخفیانه با دولت علاء نیست بلکه بهتر اینست که آقای د کتر مصدق یادگیری داوطلب زمامداری بشود و همه با کمک کنند و مسئولیت مملکت را بعهده بگیرند و نظر مثبت خود را اعلام دارند در اینصورت هم خدمتی ممکن است بملکت بشود و هم مسئول قضیه معلوم است و الا با این سیستم که دولتی را بیارند و چهار نفر عضو با سیمتیزان جبهه ملی در آن عضویت داشته باشند و تمام کارهای کابینه بنا بصوابدید آقایان باشد یک دو سه آقای مهندس زنگنه هم که عضو حزب ایران هستند و مسئولیتی هم در کار قبول نکنند و فحش و مسئولیت دولت هر دو نصیب اکثریت باشد و حکومت با اقلیت کار بیش نخواهد رفت بی مناسبت نمیدانم که برای رفع خستگی آقایان حکایت تاریخی را نقل کنم - عرض میشود که افسوس که آقای ملک مدنی اینجا تشریف ندارند چون مربوط بلایراست (شوشتری - عیبه که نیست) شاهزاده شیخ الملوک یا شیخ الملوک میرزا یکی از پسران طرف توجه و محترم مرحوم فتحعلی شاه بوده است و این والی و فرمانفرمای غرب آنوقت برده است و مقررش هم ملا بر بود این یکشب آخر شب که امراه و بزرگان و معارضش دورش بودند بعدهای از معارض مخصوص از اشخاص که خیلی طرف اعتمادش بودند گفت شما بمانید من کار خیلی محرمانه و مهمی دارم خوب مانند بعد از آنکه همه رفتند گفت درها را ببندید بیکی گفت پشت در نگاه کن توی راهرو کسی نباشد گفت خیر قربان کسی نیست گفت بیاید جلو آمدند جلو گفت بازم بیاید جلو بازم آمدند جلو بازم جلوتر آمدند دور شاهزاده را گرفتند و شاهزاده دستی بریش کشید و گفت آقایان میخوام یک موضوع خیلی مهمی را برای شما بگویم و این موضوع خیلی خطرناک و مهم است و از شما ها

تغیر قربان گفت من تصمصم گرفتم شاه بشوم و میخوام شاه بشوم و باید اینکار درست شود گفتند قربان چه طور میخواید شاه شوید گفت بلی میخوام شاه شوم و تصمصم گرفتم و کار هم تمام است و باید شاه بشوم یکی از آنها که خیلی صمیمی بود و خیلی فدا کار بود و رشید تر هم بود گفت قربان این کاری ندارد امیر فرمائید همین الان سوار میشوم با تو سکرهایم میروم کرمانشاه و کردستان و ایلات را تجهیز میکنم بعد میروم طهران و فتحعلی شاه خاقان را می گیرم حبس می کنیم و کاری ندارد بعد حضرت والا شاه میشوید گفت چه طور ؟ همین الان بنده میروم اینکار را تمام می کنم سی چهار هزار سوار تجهیز می کنم و بسیج می کنم طهران را می گیرم ارك را هم متصرف میشوم خاقان را حبس می کنیم گفت چه طور اینکار را میخواید بکنید؟ گفت بلی برای شاه شدن راه همین است و راه دیگری نیست کسی که میخواید شاه بشود باید اینطور شاه بشود باید برود و بگیرد و ببندد و جایش بنشیند و شاه شود و راهش همین است گفت نه نه من میخوام شاه شوم اما شاه با انقهده حالا با دولت ساختن اینجوری نمیشود یا باید گفت و آمد اینجا رأی سفید را هم داد دفاع هم کرد گوش آناک و حمله را هم داشت طاقت انتقاد را هم داشت و دست باصلاحات زد یا باید از زیر و رو با دولت زد غیر از این راهی ندارد بقیه بنده این طرز اقلیت مبهم که بلی ما رأی سفید نمیدهم ولی آقای علاء بهترین دولت هاست این نمی شود برای اینکه ما و همه مردم میدانیم که اقلیت محترم مجلس که وجودشان برای این مملکت لازم و مهم و ضروری است با این دولت ائتلاف دارد اگر دولت بد است پس چرا همکاری میکنید اگر خوب است چرا از رو با دولت همکاری نمی کنید (فرامرزی - سؤال و کبل از او کبل همین است) بنده شنیدم که بعضی از طرفهای این دولت با آقایان محترم جبهه ملی از حالا نقشه انتخبات آیتند راه طرح کرده اند و فراد است کم کم مأمورین وزارت کشور را عوض کنند و انتخبات آیتند را بدست بگیرند - این خبر حقیقه مایه خوشوقتی مردم است و امید دارم این نقشه عملی شود و دوره آیتند مجلس را و کلاهی یکدست جبهه ملی تشکیل بدهند و امیدوارم همانطور که شخصاً در انتخبات تهران با آقایان کمک کردم در این مقصود دخور نیز با ایشان همراهی کنم - بنده از اولین اشخاصی بودم که برقای جبهه ملی عرض کردم و استدعا کردم که بیاید آقایان حزب تشکیل بدهید ما هم می آیم شمه از این حزب میشوم یا هیچ چیز نمیشوم ولی شما حزب را تشکیل بدهید باید یک تشکیلاتی توی این مملکت باشد با تغییر این پخشدار آن قاضی و با تغییر آن والی ایما غیر ممکن است این مملکت بجائی برسد تشکیلات می خواهد اگر جبهه ملی از روز اول ورود ب مجلس تشکیل حزبی داده بود حالا مردم این مملکت آسوده بودند و میدانند که یک تشکیلاتی هست و یک روزی حکومت را بدست میگیرد - بطوریکه عرض کردم آقای علاء چون شریک در امضاء قرارداد ۱۹۳۳ بوده است و آقایان

واز طرف ایشان تکذیبی بعمل نیامده است و همچنین چون در مطلع زمامداری خود ضمن مصاحبه با مغبیر یونایتد پرسی قول داده اند که تمام تعهدات دولت را محترم بشمارند و جزو این تعهدات قرارداد ۱۹۳۳ میباشد که ملت ایران بهیچوجه در آن تعهدی ندارد بنا بر این آقای علاء فاقد صلاحیت زمامداری در چنین موقعی که موضوع نفت مطرح است میباشد - از میان وزراء ایشان آقای فرمند عضو حزب مامیون و تشکیلات فراماسوئی ایران هستند (فرمند تکذیب میکنم) بنده بهیچوجه مصلحت نمیدانم در موقعیکه ملت ایران میخواید شخصیت خودش را بدینا نشان بدهد و استقلال رأی خویش را اثبات کند دولتی بر سر کار باشد که این داغهای باطله بر پیشانی آن خورده باشد - علاوه اگر مرد وطن پرستی چنانکه ادعا میکند باشد باید فوراً استعفا بدهد و خودش بر سردهای فراماسون بگوید که این لباس را برای قامت دیگری بدوزند - ایندولت برای ماست مالی کردن مبارزات ایران در راه استیفای حقوقش از منابع نفت روی کار آمده است و کار دیگری هم ندارد آقایان اینها را یادداشت کنید یادتان باشد - نقشه کار این است که تا نتیجه کنفرانس واشنگتن معلوم نشده دست بدست کند و بعد که نتیجه کار کنفرانس معلوم شد آهسته با آقایان ابلاغ بفرمایند و آنوقت با یک چراغانی دیگر یک کلاه غالبی سر ملت ایران بگذارند - ایندولت دولتی است که مجلس را اگر مقاومت کند خواهد بست و زمینه را برای روی کار آوردن یک مجلس فرمایشی جهت تصویب قرار داد نفت فراهم خواهد ساخت - آقای علاء چیزی از ساعد کم و زیاد ندارد - همان باریکه بردوش ساعد گذاشتند و بنام اوتام جنایتا را مرتکب شدند بردوش این شخص خواهند گذاشت و خیانتهای بزرگی مرتکب خواهند شد - بنده راجع به برنامه دولت علاء جزء چند کلمه عرض ندارم - چون برنامه جزیکه مشت الفاظ چیزی نیست و همه میدانند که برنامه دولت عاقد فقط روی کاغذ آنهم موقع رأی اعتماد آورده می شود - ولی برنامه دولت علاء این مزیت را دارد که ماهیت امضاء کابینه و طرز تفکر آقایان را نشان میدهد - ماده اول برنامه دولت علاء اینست : ((ازین بردن این روح ترم و مصیبتی که نسبت بقوانین و مقررات و انتظامات پیدا شده و امنیت و آسایش را تهدید میکند)) - این ماده نشان عالیترین درجه انحطاط فکری و کهنه ترین طرز تفکر در دنیای قرن بیستم میباشد - این ماده چه معنایی دارد؟ شناختن این ماده اعتراف کرده اند که ملت ایران نسبت بقانون و انتظامات شما روح صبیان دارد - از یک طرف شما برای جلوگیری از ابراز احساسات ملت ایران بر ضد اجانب حکومت نظامی اعلام می کنید و از طرف دیگر جبهه ملی یعنی دوستان شما مردم را تشویق می کنند که برای اخلال در ملت در مورد نفت جنوب باید فداکاری

پرستانه خود بر ضد اعلام حکومت زور و قلدری طلبان می کنند و سر بزازان شما شکم مردم را در جلو بازار پاره می کنند. (یکی از نمایندگان - شکم کی را پاره کردند) جلوی بازار دست فروش بدبخت را زدند با سر نیزه خوب بدمد الله که آقای علامه آمدند دولت باید مدت ایشان هم دولت باک و صالعی است. کارگران گرسنه اصفهان مطالبه حقوقشان را از صاحب کار خانه دارند سر بزازان شما بطرف آنها شلیک می کنند و شش نفر آنها را می کشند.

مقدر می باشد. این روح عصیان و تمرد آنقدر تقویت خواهد شد تا ریشه حکومت های فاسد شما از بیخ کنده شود و ملت ایران حاکم بر سر نوشت خویش گردد. این روح عصیان و تمرد مبتنی بر عدالت اجتماعی و تجاوز بحق ملت ایران از طرف هیئت حاکمه و ناتوان فرومایه خارجی می باشد و تا وقتی عدالت اجتماعی و تساوی حقوق و حکومت قانون برقرار نشود دست نوکران خارجی قطع نگردد این روح عصیان و تمرد باقی و برقرار خواهد بود.

این روح عاصی و متمرد این روح زنجیر گسل و شکننده در مردم ایران بیدار شده است و قیامه مضحک و ناتوان و انگشت های شیطانی قادر بغضه کردن آن نخواهد بود. آقای علامه در همینجا اینکه شما نشسته اید یکروزه زور زورم آرا می نشیند و امروز دیگر اثری از آنها باقی نیست بدانید که پنجه انتقام ملت قوی و نیرومند است. بدانید که چشمهای مردم تیز بین تر و روشن تر از آنست که خیال کرده اید.

بدانید که ملت ایران باقیه حق بجانب شما و این قبیل قائم موشک بازیها فریب نخواهد خورد و سر بزنگاه نفت گریبان شما را خواهد گرفت و هنگامیکه در سکران مرگ هستید فریاد لرزاننده ملت آخرین ضربت را بر بیکر حیات شما خواهد زد و حکم خائن روی پیشانی شما نقش خواهد بست.

من ارواح شهاده آزادی و استقلال ایران را در این مکان بشهادت می طلبم و بحقیقت سوگند یاد میکنم که در آنچه اظهار داشتیم شائبه غرض شخصی وجود نداشته است.

من با آقایان نمایندگان مجلس خطاب میکنم. آقایان شما که با دادن رای بملی شدن صنعت نفت ذخیره نام نیکی برای خود کرده اید بدولتی که رئیس آن بر ضد منافع ملت در قرار داد ۱۹۲۳ شرکت داشته است رای ندهید مسئولیت حوادث آینده و خلافتی که این دولت مرتکب شود بعهده همه شما خواهد بود.

رئیس - آقای آشتیانی زاده وقت شما تمام شد. (بعضی از نمایندگان - بیاناتشان تمام شد) آقای ارباب

ارباب - شانس بنده همیشه آخر وقت میرسد امروز هم نوبت بعد از نیک پاشی های آقای آشتیانی زاده به بنده رسید مترسم آقایان توجه نکنند بر ارض بنده (نمایندگان - بفرمائید) عرایض بنده روی مصالح عمومی است روی نظر خاص شخصی نیست تمنی میکنم آقایان توجه بفرمایند رنگ رخساره خبر میدهد از سر ضمیر تجابت و اصالت و وطن پرستی از قیامه جناب آقای نخست وزیر مرقوم و دو هیئت امین و امیران که مقصداری بر شهادت خودشان افزوده و در اول کار متاثر نشوند و وظیفه سنگینی را که بعهده دارند با نهایت شهادت انجام آورده اند نمایندگان اگر کسی در موقع حساس در کشور بیگانه بنحوا حسن انجام وظیفه کرده است و ما میخواهیم امروز آن خطبات و ایمنی توجه یا موضوع احوال آن زمان سوره

باین مملکت خدمت کند و باید چه اصلی متکی باشد همین حالا موقعی است که دولت وطن پرست با کمال شهادت و وظایفی را که بعهده دارد در تاریخ کثیر بهمه دولتی قرار می گیرد ایفا نماید (بعضی از نمایندگان - اکثریت نیست)

(بعد از چند دقیقه اکثریت حاصل شد) رئیس - بفرمائید ارباب - اگر بخواهیم با تهمت و بعضی حملات ناروا دولت را تضعیف کنیم بفرمائید کی باید بیاید و این وظایف را از عهده بر آید ...

رئیس - آقای ارباب تامل بفرمائید اکثریت نیست (بعد از چند لحظه اکثریت حاصل شد) بعضی از نمایندگان - تنفس بدهید ارباب - اگر تنفس بدهید خیلی متشکر میشوم رئیس - تنفس حالا بمنزله ختم جلسه است بفرمائید آقای ارباب

ارباب - بعضی از ما همیشه نسبت بزمانی قضاوت می کنیم که مشکلات و اوضاع احوال آن زمان فراموش شده است و موجود نیست ما بفرمودی خود هیچ زمان قادر با جرای منویات ملی در وضع بین الملل نبوده ایم برای وطن پرستی هر ایرانی همین بس که هر موقع وضع بین المللی اندکی مساعد شد آنچه مقدور بود در حفظ حقوق ملی کوشیدند و کوشیدیم. بنده تصور نمیکنم جناب آقای علامه در عصر سیاسی خود از هیچ فرصتی غفلت کرده باشند و چون همه اذعان باین اصل داریم بنده در این اصل اجازه میخواهیم دیگر چیزی عرض نکنم اما در قسمت دولت جناب آقای علامه انصافاً در انتخاب همکاران خود کمال سلیقه و موقع شناسی را بکار برده اند عناصری را به همکاری دعوت کرده که دارای حسن شهرت و مورد علاقه اغلب نمایندگان محترم مجلس هستند که چنانچه بخواهم در اطراف یک یک آقایان و وصف سابق هر یک عرایض بکنم ممکن است باعث زیاده شود در موقع ابراز تمایل این بنده نیز موافق بوده ام و حالاً هم موافق دولت هستم مشروط بر اینکه تکراری که در اینجا از لحاظ اصلاح امور مملکت در حدود تشخیص خود و برض هیئت محترم دولت میرسانم یاد داشت فرمایند، توجه فرمایند تا تعقیب و در اصلاح آن کوشش فرمایند آقایان تصدیق میفرمایند کشور ایران تنها تهران نیست و مردم ذبیح ایران هم تنها اهالی تهران یا صاحبان چهار کارخانه یا عده مأمور دولت یا کارگر نخواهند بود در نقاط دور از مرکز هزاران هستند که در تمام سال یک لقمه نان گندم بذاشته آنها آشنا نیستند و در نقاطی مسکن دارند که طیب سال بسال بطور بسیار هم عبور نمیکنند. یک قرص دوا وجود ندارد آن طبقه از مردم که اکثریت ایران را تشکیل میدهند مواجه با هر بلا و وضعیتی میشوند هیچ زبان عصیان دراز نمیکنند دست عصیان دراز نمیکنند مطیع معنی هستند ایرانی هستند در ایران سختی میکشند و میبهرند و خلاف مصلحت کشور قسمی بر نیندازند حرفی نیز نزنند، هیئت محترم دولت امین و امیران شما هم خود را بیشتر مصروف بآن طبقات بفرمائید که امروز و آخرت کمترین عیب و ایراد در آن نداشته باشد

فرصت عرض تمام عرایض را که در نظر دارم نداده است -

رئیس - یک ساعت وقت دارید - آقای فرامرزی تامل کنید تشریف نبرید فرامرزی - اجازه بدهید آقای ارباب یک دقیقه تامل کنند تا من دو سه نفر بیاورم (خنده نمایندگان عده کافی نبود) پس از چند لحظه عده کافی شد

رئیس - آقای ارباب اکثریت هست بفرمائید صحبت کنید ارباب - سر اوچه برنامه دولت موضوع امنیت و امنیت قضائی است بنده عارضی را که خواهم کرد علاقمند بودم که در همین قسمت و در قسمت اقتصادی باشد و بعد بطور اختصار تشریح اجمالی نسبت بوضع حوزه انتخابیه ام که جزء لاینفک ایران و برادران ما در آنجا ها زندگی میکنند که فائده تمام مزایای حیاتی است بکنم (شوشتری - بچنین را میفرمائید؟) بچنین هم جزء لاینفک ایران است در بحرین اگر یک آدم تمدنی متجاوز می هست یک کمک میبدم میبکنم ما جاهانی داریم که آنهم مثل بحرین جزه خاک ایران است و کسی کمک نمیکنند بیشتر خوشبینی اینجناب نسبت به برنامه تقدیمی دولت اینست که از الفاظ خود داری شده و برؤس اصلاحات پرداخته اند که از جمله از بین بردن روح تمرد و عصیان است اقدام باین امر مستلزم ایجاد محیط مساعدی است برای دستگاه قضائی کشور و تربیت قاضی با شهادت و فداکار. تا در این کشور کیفر برای خائن و بیاداش برای خادم مفهوم پیدا نکند هیچیک از این اصلاحات بعقیده من عملی نخواهد بود (صحیح است) مگر بطور موقت که هیچ چیز موقت هم برای آن کشور سعادتی در بر نخواهد داشت

اگر این اصل مسلم شد قاضی فدا کار هم خیلی داریم که حاضر بقدا کاری حتی جانبازی خواهند شد اگر زندگی سخت و مشکلی را بکنند آنرا مطمئن هستند که اگر در راه انجام وظیفه جان سیرند یک دستگاهی هست که عائله و اعیان آنها را نگهداری کند اما اگر این اطمینان را نداشته باشند و محیط هم مساعد نباشد آقایان از این دستگاه چه میخواهیم؟ یک قاضی بی بضاعت که سرمایه اش حق گزاری است لابد اولاد زندگی، هائله دارد، مزعوب و متزلزل میشود وقتی متوجه میشود که هائله اولاد فردا کسی نگاهداری نمیکنند یا اگر خائن جای خادم را بگیرد آن حس فدا کاری تقویت نخواهد شد و ایجاد محیط مساعد شرط اول اصلاحاتی است که دولت در سر لوجه عمل خود قرار داده است. استقرار امنیت قضائی که سر منشأ تمام اصلاحات است سالهاست از قالب حرف خارج نشده و تا این اصل مسلم و عملی و مستقر نشود تمام نقشه های اصلاحی موقتی و نقش بر آب است.

چاره گرسنگی و بیکاری و عمران و آبادی کشور و استفاده از مغازن طبیعی جلب سرمایه خارجی و هر گونه اصلاح دیگری منوط با ایجاد مفهوم واقعی این اصل است که امنیت قضائی باشد یکی از عواملی که این اصل را متزلزل کرده وجود دادگاههای مستقر است (صحیح است) (اربابان - نظر میبینی که این اصل را متزلزل کرده وجود دادگاههای مستقر است) (صحیح است) (اربابان - نظر میبینی که این اصل را متزلزل کرده وجود دادگاههای مستقر است)

مکرر به بنده مراجعه کرده اند تحقیق کرده ام وکیل دولت صریحاً قاضی را تهدید میکنند تا بحال برای این موضوع بخصوصه قاضی را عوض کرده اند آقایان، اینست امنیت؟ دادگاههای ما باید تبدیل بدادگاه عمومی بشود (صحیح است) دادگاه دیوان کیفر کار کثرت دولت، دادگاه دارائی، دادگاه دیگری که خلق الساعه تشکیل میشود اینها تمام باید جزو دادگاههای عمومی باشد دادگاه اختصاصی اصل امنیت را متزلزل کرده وقتی در مرکز ایران یک خطاهائی علناً در جریان است چه انتظار دارید در قضی نقاط کشور ایران حقوق مردم محفوظ بماند؟ بنده موافق دولت هستم، مطالبی را که عرض میکنم مربوط باین دولت نیست از لحاظ آنکه در جواب توجه دولت عرض میکنم سوه تعبیر نشود (کشاورز صدر - مربوط بآن دولت هائی است که می باید آنها را یادید) ما اول هر دولتی که میآید صالح میدانیم بلکه خدمت به مملکت بکنند و خلافتش را اگر ببینیم بعد خواهیم گفت ما با نظر سوء ظن هیچ دولتی نمی توانیم نگاه بکنیم. در تهران، پهلوی خیابان شاهرضا یک زردشتی ملکی دارد دارای سند مالکیت است، یک افسر ارتش هلناً صریحاً قبایله صادر می کند غیر رسمی و ملک مردم را تحویل میدهد و در خانه ساختن میکند سه سال است مالک این بهر کجا شکایت کرده است و هر کس مأمور تعقیب قضیه شده خود او هم رفته با آن افسر شریک شده حالا شده یک مطهالی (یک نفر از نمایندگان - محله اسمش چیست؟) همین اول خیابان شیران است و سند مالکیتش اینجاست. بنده این را میدهم خدمت جناب آقای وزیر دادگستری که بنده به بی نظری ایشان کمال اعتقاد دارم توجه کنند. آقای خانة شما را می آیند توی خانه میسازند شانیتوانید بیرونش کنید مأمور دزدانی مأمور میشود او هم بیرونیانش میسازد مأمور کلاتری مأمور میشود او هم می شود شریک او و یک گوشه اش را میسازد (جمال امامی - پس حالا وزیر دادگستری شریک نشود) من استدعا میکنم جناب آقای وزیر دادگستری این موضوع را شخصاً توجه بفرمایند، شخصاً رسیدگی کنند ببینند آیا این سند جعل است، این شخص مالک نیست؟ هست، آیا اگر کار بر این قرار شود کی دیگر تأمین دارد و ما میخواهیم سرمایه های خارجی را جلب کنیم و مغان ایران را کشف بکنیم ما محتاج بملیونها نفر هستیم علاوه از عده ای که در کشور ایران موجود است برای کانهائی که در ایران زیر زمین خفته و روی زمین پنهان است، با این اصل که نمی شود (کشاورز صدر - ولی نتیجه زحمت آن ما را پنج نفره نفر نبرند این را هم بفرمائید) آقایان وزارت دادگستری از وزارتخانه هائی است که وقتی یک شخصی با شهادت صالحی را که تشخیص دادید این را بصورت یک نوع کثرتی باید پنجساله باو داد و اصلاحات را از او خواست و مزاحمت هم نشد و الاغیر از این میسر نیست یک قدم اصلاحی اگر

اورا بستند این نتیجه نمیرسد. اگر قانون در مملکت خوب و بیطرفانه اجرا بشود این مصائب موجود یکیش وجود ندارد. اینها تمام ناشی از سوء جریان قضائی است که ناچار هم هستند، قاضی چه انتکائی خودش را بخاطر بیندازد؟ پاداش هست؟ نه بعد از بیست سال میگویندش فراماسون بودی یابک نوع دیگری میشود. من نمیفهمم، اینطور درست نیست. دولت هم، این دولت صالح هم که بنظر بنده واقفاً صالح است اگر وضع بدین منوال باشد حکم یک آسیرینی دارد که مریض وقتی خورد موقه احساس درد نکند، بعد شد بدتر میشود دردش (در این موقع عده برای مذاکره کافی نبود و بعد از چند دقیقه کافی شد) (کشاورز صدر - آقا خلاصه بفرمائید) بنده باید بقیه اش را جلسه بعد بگویم با اجازه جناب رئیس چون مطالبی راجع به سوره انتقابه خود دارم.

رئیس - آقایان چرا جلسه را شلوغ میکنید؟ تامل بفرمائید. آقای ارباب تقریباً ۳۰ دقیقه صحبت کردید. جلسه سه ساعت است. وقت هنوز تمام نشده و میتوانستید صحبتتان را بکنند.

فرامرزی - آقا اجباری نیست که آدم یک ساعت تمام حرف بزند. ارباب - اگر ممکن است تنفس بدهید رئیس - بیست و دوسه دقیقه باخر وقت مانده ایشان میگویند تنفس باشد که این ۲۰ دقیقه وقتشان را در جلسه آینده حرف بزنند.

ارباب - الان یک ربع ساعت از وقت بنده را یا عده کافی نبوده در مجلس و یا صحبت شده، این را استدعا میکنم مقام ریاست توجه بفرمایند. یکی از دادگاهها دادگاه ارز است بنده عرض نمیکنم که این دادگاه خوب است یا بد است. ولی علی که باو ارجاع میشود بسیار بی رویه است اولاً موضوعاتی که ارجاع میشود غالباً مربوط بآنکسی که سهم او را تشخیص میدهند نیست.

ثانیاً یک صادر کننده در موقع مقرر حاضر نمی شود ارز خود را بفروشد، بانکهای مجاز برای واردت نمیخرند و میگویند ما ارز این کشور را نمیخریم، مطلب میماند بعد از ۶ سال در موقعی اینها را به دادگاه میکشند که در آن موقع دولت ارز زیاد دارد میخواهد بفروشد، نمیتواند از آن طرف با فشار به دادگاه میکشند که یا ارز بدهد، دستگاه هم آنمگی ندارد همیشه همینطور است بنده در این قسمت هم توجه جناب وزیر دادگستری را جلب میکنم در این سفری که برای بررسی بدنه بلوچستان رفتم و گزارش آن را استدعا میکنم که آقایان اجازه بفرمایند که فردا برض برسانم چون بیک موضوعی برخورد میزیرا آقایان که خوش ندارند توجه کنند

تعیین موقع و دستور جلسه بعد ختم جلسه رئیس - جلسه را ختم میکنم. جلسه آینده روز پنجشنبه ساعت ۹ بیست دقیقه هم از وقت آقای ارباب باقی مانده است. (مجلس ۹۰ دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

شماره ۲۹۱۲۲۲ ۲۶۹۲۰۲۱۶۴۰
آقای هبت الله شیخ محمدی
 بموجب این ابلاغ بسر دفتری ازدواج شهر قزوین منصوب می شوید .
 وزیر دادگستری

شماره ۲۹۱۲۲۲ ۲۶۹۲۲۲۰۹۲۷
آقای سیدعباس حاج سیدجوادی
سر دفتر ازدواج و طلاق شهر قزوین
 نظر باینکه مورد تعقیب دادگاه انتظامی سردفتران واقع شده ابد وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفتر اسناد رسمی تا خاتمه رسیدگی انتظامی شما را از تصدی دفاتر ازدواج و طلاق معلق مینماید
 وزیر دادگستری

شماره ۲۹۱۲۲۲ ۲۶۹۴۴۲۱۶۶۶
آقای روح الله ولانی
دفتر یار درجه اول ساری
 بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه سوم قصبه لردکوی حومه گرگان منصوب می شوید طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید .
 وزیر دادگستری

شماره ۲۹۱۲۲۲ ۲۶۹۲۰۲۱۰۱۸
آقای محمد علی مولانا
سر دفتر اسناد رسمی و ازدواج قصبه دماوند
 بموجب این ابلاغ محل رسمیت دفاتر شما به گلبایگان تبدیل میشود طبق مقررات سردفتری اسناد رسمی شماره یک آنجا مشغول انجام وظیفه شوید
 وزیر دادگستری

شماره ۲۹۱۲۲۲ ۴۰۰۳۲۲۲۹۴۴
آقای محمد تقی تهرانی
سر دفتر ازدواج و طلاق تهران
 بموجب این ابلاغ بعلت کسالت و کناره گیری از کار از تصدی دفاتر ازدواج و طلاق معاف میشوید
 وزیر دادگستری

شماره ۲۹۱۲۲۲ ۴۰۰۳۵۲۲۹۹۰
آقای محمد حسین طاهری
سر دفتر اسناد رسمی شماره ۳۵ تهران
 بموجب این ابلاغ بسر دفتری ازدواج و طلاق تهران منصوب می شوید
 وزیر دادگستری

شماره ۲۹۱۲۲۲ ۲۴۰۰۸۳۹۸۷۰
آقای سید مهدی احمدی سجادی
سر دفتر اسناد رسمی شماره ۳۶ و گواهی امضاء تهران
 استعفای شما از تصدی دفاتر اسناد رسمی و گواهی صحت امضاء تهران پذیرفته میشود
 وزیر دادگستری

شماره ۲۹۱۲۲۲ ۲۴۰۴۹۳۹۸۷۷
آقای سید مرتضی رضوانی
دفتر یار درجه اول تهران
 بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه سوم تهران منصوب می شوید طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید .
 وزیر دادگستری

شماره ۲۹۱۲۲۲ ۳۹۰۷۴۲۲۲۰۶
آقای ابوظالب مدرسی
سر دفتر ازدواج نویندگان فسا
 بموجب این ابلاغ از تصدی دفاتر ازدواج معاف میشوید
 وزیر دادگستری

شماره ۲۹۱۲۲۲ ۳۹۰۷۶۲۱۹۹۹
آقای سید طاهر حسینی
سر دفتر ازدواج خوردیماق حومه گرگان
 بموجب این ابلاغ بسر دفتری طلاق خوردیماق منصوب میشوید
 وزیر دادگستری

شماره ۲۹۱۲۲۲ ۳۹۰۰۶۲۱۹۲۰
آقای محمد حسن فقیه مرندی
سر دفتر طلاق سابق تهران
 نظر باینکه محاکمه انتظامی شما منتهی به محکومیت جزای نقدی شده بموجب این ابلاغ رفع تعلیق شما را اعلام میدارد طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید
 وزیر دادگستری

شماره ۲۹۱۲۲۲ ۲۰۸۷۱۳۹۰۶۰
آقای نعمت الله اشتی
 بموجب این حکم بسر دفتری اسناد رسمی درجه اول شاه آباد شمیران منصوب میشوید که با حفظ درجه بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه سوم و اجازه ثبت معاملات ملکی تا میزان ده هزار ریال مشغول انجام وظیفه شوید .
 وزیر دادگستری

شماره ۲۹۰۶۶۲۲۱۱۰ ۲۹۱۲۲۲
آقای حسن خیر خواه عین الدینی سردفتر ازدواج و طلاق قریه عین الدین تبریز
 استعفای شما از تصدی دفتر ازدواج و طلاق پذیرفته میشود
 وزیر دادگستری

شماره ۲۹۰۰۸۲۱۶۱۳ ۲۹۱۲۲۲
آقای مهدی مهدی زاده سر دفتر ازدواج قریه قوه و شریف آباد ورامین
 بموجب این ابلاغ بسر دفتری طلاق قریه قوه و شریف آباد منصوب میشوید
 وزیر دادگستری

شماره ۲۹۰۹۰۲۲۱۴۶ ۲۹۱۲۲۲
آقای ابراهیم علمی ساری
سر دفتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق قراء حکم آباد و قراملک تبریز
 بموجب این ابلاغ محل رسمیت دفاتر شما به قصبه عجب شیر تبدیل میشود طبق مقررات بسمت سردفتری اسناد رسمی شماره ۱۲ و ازدواج و طلاق ۸ و ۷ آنجا مشغول انجام وظیفه شوید
 وزیر دادگستری

شماره ۲۹۰۹۲۲۲۱۴۰ ۲۹۱۲۲۲
آقای عزیز مجدیه
سر دفتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق عجب شیر مراغه
 بموجب این ابلاغ از تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق معاف میشوید .
 وزیر دادگستری

شماره ۲۶۹۱۸۲۱۳۱۶ ۲۹۱۲۲۲
آقای سید رضا نوری
سر دفتر ازدواج سابق ایلام
 نظر باینکه محاکمه انتظامی شما منتهی به محکومیت جزای نقدی شده بموجب این ابلاغ رفع تعلیق شما را اعلام مییارد .
 وزیر دادگستری

شماره ۲۲۲۸۸۳۹۸۹۰ ۲۹۱۲۲۲
آقای علی مختاری
سر دفتر ازدواج قریه شیره چین سراب
 بموجب این ابلاغ بسر دفتری ازدواج و طلاق سراب منصوب می شوید .
 وزیر دادگستری